



# انترناسیونال ۳۶۷

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۲ مهر ۱۳۸۹، ۲۴ سپتامبر ۲۰۱۰

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: کاظم نیکخواه



## یک ضربه تاریخی به واتیکان

کاظم نیکخواه

وقتی که چند ماه پیش پاپ رسماً تصمیم گرفت به انگلستان سفر کند، میدانست که به یک سفر عادی نمیرود. او تصمیم گرفته بود برای کمک به یک جدال به انگلستان سفر کند. زیرا مدتی بود که کلیسای کاتولیک مورد نفرت و انتقاد و خشم عمومی مردم بود. رو شدن سوء استفاده جنسی گسترده کشیشان کلیسای کاتولیک در حق هزاران کودک، در کشورهای مختلف از جمله در ایرلند و انگلستان و آمریکا و استرالیا و بلژیک و کشورهای مختلف که تا سالهای اخیر ادامه داشته است، و

صفحه ۳

## جای کودکان ما در مدرسه است

شهلا دانشفر، صفحه ۷

## دهها هزار نفر در مراسم کارگران جانباخته

شرکت کردند صفحه ۳

## صفحات دیگر

تظاهرات کنندگان در نیویورک خواهان آزادی سکینه محمدی آشتیانی شدند! صفحه ۳

من با افتخار این "اتهام" را می پذیرم! مینا احدی، صفحه ۱۰

کارگران ریسندگی کاشان... صفحه ۸

گزارش تصویری از آکسیون های اعتراضی ۱۸ سپتامبر به حکومت شلاق، سنگسار، اعدام، صفحه ۱۱

بیانیه تظاهرات ۱۸ سپتامبر! صفحه ۱۲

گزارشی از برنامه های مینا احدی در سفر به ایتالیا، صفحه ۱۰

بمب گذاری در اماکن عمومی ..... صفحه ۷

اعتصاب کارگران نساجی کرپ ناز هرسین، صفحه ۸

صدیق کریمی و فواد کیخسروی دو باره محاکمه شدند، صفحه ۸

به شهروندان نیویورک:

## جای رئیس حکومت سنگسار در شهر ما نیست!

مینا احدی

را طرح کنم. تقاضا میکنم که در روز ۲۳ سپتامبر در برابر سازمان ملل متحد حاضر شوید، عکس های سکینه را در دست بگیرید و به حضور احمدی نژاد رئیس سپتامبر برخورد کردید، تقاضایی

## هزاران نفر در نیویورک علیه احمدی نژاد و جمهوری اسلامی تظاهرات کردند

صفحه ۱۰

## حجاب برگیران در کرج و تهران و فغان جمهوری اسلامی

شهلا دانشفر

مناطق مختلف این شهر به ویژه مهرشهر، رجایی شهر و خیابان طالقانی در اقدامی هدفمند، برخی از زنان ضمن داشتن پوشش سازمان یافته در برخی نقاط کرج با زبانی معترض و خشم آلود نوشته است "اخیراً در برخی

صفحه ۶

## کمپین برای آزادی کارگران زندانی

صفحات ۸-۹

## اخراج بسیاری از پرستاران در بیمارستان امام

خمینی بخاطر "بدحجابی"

شهلا دانشفر، صفحه ۱۲

## بازتاب هفته

توان صفر

دست یابی تروریستها به سلاح اتمی اجتناب

ناپذیر است

احمد فاطمی

جناح بندی ها و اختلافات حکومتی پایانی ندارد

محمد شکوهی

آتش به جان مذهب

یاشار سهندی

صفحات ۵-۴

## دولت یکبار دیگر اجرای طرح یارانه ها را به عقب انداخت. این چندمین بار است که اجرای این طرح به عقب می افتد و علت تاخیر هم روشن است. علت همانطور که بارها مقامات ریز و درشت حکومتی اعلام کرده اند ترس و نگرانی حکومت از بالا گرفتن عواقب سیاسی - اجتماعی این طرح، یعنی تشدید اعتراضات و مبارزات توده ای در حد یک انفجار اجتماعی است. حکومتیها در این ترس و نگرانشان کاملاً محق هستند. انفجار و توفان سهمگینی در پیش است اما مشکل حکومتی ها اینست که بدون اجرای این طرح هم جمهوری اسلامی آینده ای ندارد. حکومت خود را ناگزیر به اجرای این طرح می بینند چرا که شرایط اقتصادی و اجتماعی موجود برای مردم قابل تحمل نیست و توفان انقلاب که سال گذشته کل حکومت را به ریشه مرگ انداخت هر آن ممکن است دوباره و با قدرت و وسعت و قدرتی بیشتر از گذشته سربلند کند و کل نظام جمهوری اسلامی را درهم پیچد. در واقع حکومت در بحران و بن بست است. قرار دارد که از آغاز روی کار آمدنش با آن دست بگریبان بوده و راه برون رفتی نیز در مقابل خود نمی بیند.

در مورد این بحران مزمن حکومتی و همچنین معنی و مضمون و اهداف واقعی طرح یارانه ها تا کنون در ادبیات و رسانه های حزب از جهات مختلفی بحث شده است. با اینهمه اکنون که طرح یارانه ها مجدداً به موضوع بحث و مقابله میان جابجای حکومتی و ی کمساله مهم و نگران کننده برای مردم تبدیل شده لازم است نکاتی را مورد تأکید قرار بدهیم:

۱- اولین نکته اینست که "هدفمند کردن" و یا

صفحه ۲

## بحران رژیم و بن بست طرح ...

از صفحه ۱

بود که همه دولت‌های غربی با وامها و کمک‌های چندصد میلیارد دلاری به نجات بانکها و کمپانیها ورشکسته برخاستند.

تا آنجا که به جمهوری اسلامی مربوط میشود اجرای این طرح تلاشی است برای سر و سامان دادن به وضعیت نابسامان اقتصادی در ایران از طریق جلب اعتماد سرمایه‌ها و بخصوص سرمایه‌گذارهای جهانی. در دوره رفسنجانی قرار بود همین طرح تحت نام بازسازی اقتصادی و مدل چینی پیاده بشود که بحران سیاسی

حکومت مانع اجرای آن شد و دولت احمدی نژاد هم با همین پلانفرم جراحی اقتصادی (که مکمل سیاسی آن "سونامی" ناکام مانده سرکوب و مرعوب کردن جامعه بود) روی کار آمد. اگر تنها یک جزء این طرح یعنی مساله یارانه‌ها امروز عمده و برجسته شده است اساسا به این دلیل است که اجزای دیگر این طرح - بیکارسازیها، پائین نگه داشتن دستمزدها، خصوصی سازی بخشهای تولیدی و خدماتی، سرکوب تشکلهای کارگری و غیره - یک جزء همیشگی از سیاستهای دولت بوده و وسیعا اجرا و عملی شده است. تنها مساله باقیمانده حذف سوسیدها است و اکنون میخواهند این را هم تحت عنوان هدفمند کردن یارانه‌ها به خورد جامعه بدهند.

در اینجا و در رابطه با همین سیاست حذف سوسیدها نیز معنای واقعی سیاست "عدم دخالت دولت در اقتصاد" با زدن از جیب مردم و ریختن به جیب سرمایه دارها و دولتشان کاملا روشن و عیان است. بموجب آمار و ارقام رسمی دولتی مبلغ صد هزار میلیارد تومان (صد میلیارد دلار) از محل حذف سوسیدها عاید دولت میشود که بخشی از آن صرف ماشین آدمکشی و دم‌دستگاه عظیم تمحیق و سرکوب - مساجد و امامزاده‌ها و دم و دستگاه امام جمعه‌ها و زندانها و شکنجه‌گاهها و مزدوران وزارت اطلاعات و بسیج و سپاه و انواع نیروهای نظامی و انتظامی و شبه انتظامی و غیره - میشود، بخشی به جیب گشاد بیت رهبری و مقامات و آقازاده‌هایشان سرازیر میشود، و بخشی هم بعنوان کمک‌های دولت به سرمایه‌گذاران در حال ورشکستگی

تعلق میگردد. قرار است صد هزار میلیارد تومان در سال از سفره کارگران و توده مردم جمع شود و در خدمت طبقه سرمایه دار و ماشین سرکوب قرار بگیرد. از زاویه منافع سرمایه داران البته این طرح بسیار هوشمندانه است اما از دید کارگران و توده مردم اسمی بجز چپاول و غارت تمام عیار ندارد.

۳- وقتی طرح یارانه‌ها را بر این زمینه عمومی که توضیح داده شد ببینیم آنوقت روشن میشود که آنچه از دید کارگران و کل توده مردم عوارض و عواقب طرح یارانه‌ها بحساب می‌آید از نظر سرمایه داران و دولتشان جزء اهداف آگاهانه طرح و برکات و محسنات آنست. بعبارت دیگر گرانی و بیکاری و قطع کامل سوسیدها و زدن از خدمات درمانی و آموزشی و غیره از نتایج ناخواسته این طرح نیست بلکه اهدافی است که تحقق آنها برای تضمین و بالا بردن سود آوری سرمایه‌ها لازم است. حتی شوکی که بوسیله این طرح به جامعه وارد میشود یک هدف آگاهانه است (میلتون فرید من تنورسین و پدر معنوی و فکری طرح ریاضت کشی اقتصادی بحث مبسوطی دارد در فوائد و محاسن وارد آمدن شوکهای اقتصادی و اجتماعی و حتی بلایای طبیعی نظیر سیل و زلزله و غیره در خدمت رشد اقتصاد بازار آزاد). در بحثهای داخلی جناحهای حکومتی بر سر طرح یارانه‌ها نیز یکی از دفاعیات طرفداران طرح یارانه‌ها در مقابل نظریه پیاده کردن تدریجی طرح، شوکی است که اجرای ضربتی آن به جامعه وارد میکند. استدلال اینست که تا شوک بجامعه وارد نشود "الگوی مصرفی" خود را تغییر نخواهد داد (یعنی جامعه تن به ریاضت کشی اقتصادی و فقر و گرسنگی نخواهد داد). نگرانی مقامات حکومتی از عواقب طرح نیز بهیچوجه فقر و فلاکتی که گریبانگیر توده مردم میشود نیست بلکه اعتراض و مبارزه‌ای است که این وضعیت در جامعه دامن میزند. اگر دولت احمدی نژاد در پیاده کردن سونامی سیاسی و طرح ناجا و غیره موفق شده بود آنوقت بی تردید در اجرای این سونامی اقتصادی نیز کسی از حکومتیها تردید و اعتراض و مخالفتی از خود بروز نمیداد.

۴- و بالاخره آخرین و مهمترین نکته اینست که اجرای این طرح - حتی اگر بتوانند آنرا تماما عملی کنند - مشکل اقتصادی حکومت را حل نخواهد کرد. بحران اقتصادی حکومت نتیجه بحران امروز سرمایه داری جهانی نیست. این بحران زائیده فروپاشی وال استریت نیست و با پیاده کردن اقتصاد مکتب شیکاگو و باز گذاشتن دست بازار آزاد و غیره نیز تخفیف نخواهد یافت، بلکه بحران سی ساله ایست که همزاد رژیم است و ریشه در بحران سیاسی و اجتماعی حکومت دارد.

بی ثباتی سیاسی يك مشخصه ساختاری و هویتی جمهوری اسلامی است. این حکومتی است که در سال ۵۷ برای سرکوب انقلاب تحت نام انقلاب به جلورانده شد و در شکل يك ماشین سرکوب تمام عیار آرایش پیدا کرد. میتوان گفت طبقه سرمایه دار در ایران و در سطح جهانی برای سرکوب انقلاب ۵۷ به این رژیم رضایت داد. رسالت تاریخی این رژیم و علت روی کار آمدنش نه سر و سامان دان به اقتصاد - که از همان اواخر سلطنت شاه بحرانش آغاز شده بود - بلکه سرکوب انقلابی بود که کل نظام سرمایه داری در ایران را به لرزه انداخته بود. گفته "اقتصاد مال خر است" خمینی همان اندازه معرف حماقت پایه گذار رژیم اسلامی است که عدم رسالت و بی برنامه‌گی و بی وظیفگی واقعی و تاریخی این رژیم را در حیطه اقتصاد نشان میدهد. جمهوری اسلامی انقلاب ۵۷ را در هم کوفت اما هیچگاه نتوانست - کارگران و زنان و جوانان و توده مردم معترض اجازه ندادند - که خفقانی حتی شبیه گورستان آریامه‌ری در ایران برقرار کند. و برای سرمایه داری ایران چنین گورستانی رکن لازم تولید و باز تولید و سودآوری سرمایه است. در واقع میتوان گفت که بورژوازی ایران با يك بحران مزمن حکومتی مواجه است و هر نوع سرو سامان دان به اقتصاد در گرو حل این بحران است.

عملا و بطور واقعی اقتصاد جمهوری اسلامی ملقمه‌ای است از دزدی و چپاول آشکار و پنهان منابع ثروت جامعه و دسترنج کارگران و تولید کنندگان بوسیله مقامات حکومتی و اعوان و انصارشان، فساد و اختلاس و ارتشا اداری و رانت خواری

و اسپکولاسیون و بیجیب زدن سودهای نجومی از طریق بازار قاچاق و تفاوت نرخ ارز و غیره و در کنار آن بیکارسازیهای گسترده و عدم پرداخت دستمزها و بیزر خط فقر راندن بیش از هشتاد درصد مردم. (اقتصادی که اکنون بروز مشخص و عریان خود را در سلطه مافیای اقتصادی سپاه و بسیج در قالب کارتل‌های خصوصی که انحصار بخش اعظم رشته‌های تولیدی و خدمات را در دست دارد یافته است). قوه محرکه و هدف عمومی این اقتصاد نه سازمان دادن تولید و باز تولید متعارف سرمایه داری در جامعه بلکه حفظ موجودیت حکومتی است که مدام با يك بحران سیاسی و اجتماعی، اعتراضات و اعتصابات و شورشهای شهری و خطر سقوط و از هم پاشیدگی روبرو بوده است. اقتصاد جمهوری اسلامی عاملی است صرفا در خدمت حفظ حکومت و بساط چپاول و سرکوب. و لذا بی ثباتی و بی آیندگی جزء جدائی ناپذیر این اقتصاد است. شرایط آتقدر متغییر و بی ثبات است که حتی خودی ترین سرمایه دارهای حکومتی به سرمایه گذاری ای که سود آور شدن آن نیازمند يك دوره گردش یکی دو ساله، و حتی کوتاه تر از آن، باشد تمایل و رغبتی ندارند. روشن است که در چنین شرایطی طرح ریاضت کشی اقتصادی و یا هر طرح دیگری که در يك شرایط متعارف سیاسی و اقتصادی ممکن است کار آئی داشته باشد، نه عملی و قابل اجرا است و نه در صورت اجرا شدن مساله ای را حل خواهد کرد. این نوع برنامه ریزیها و طرحهای اقتصادی به تن این رژیم گشاد است.

تا جمهوری اسلامی هست هیچ معجزه‌ای نمیتواند بحران و بن بست اقتصادی حکومت را حل کند. بگذارید سرمایه داران و احزاب و جناحهای مختلف طبقه سرمایه دار در حکومت و در اپوزیسیون برای حل مشکل حکومتیشان به سرو کله هم دیگر بکوبند. در این میان کارگران و توده مردم مساله خود و راه حل خود را دارند. برای مردم ریشه همه مسائل وجود خود حکومت است. و این مساله نیز تنها يك راه حل دارد: سرنوینی نظام جمهوری اسلامی سرمایه بقدرت انقلاب.\*

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

## دهها هزار نفر در مراسم کارگران جانباخته شرکت کردند

خواستار، حسن کیوانی، عقیل کیوانی و عباس ضرغامپور.

حزب کمونیست کارگری یکبار دیگر صمیمانه به کلیه خانواده های جانباختگان و همکاران و دوستان آنها تسلیت میگوید و اعلام میکند که مسئول این فاجعه بزرگ انسانی، سودجویی سرمایه داران و دولت جنایتکار اسلامی سرمایه داران است. خسارت بزرگ انسانی این فاجعه قابل جبران نیست اما خسارت مادی آن تماما به عهده جمهوری اسلامی و قرارگاه خاتم الانبیا متعلق به سپاه پاسداران که مجری این پروژۀ بوده است، میباشد و تامین زندگی خانواده های جانباختگان تماما به عهده آنها است. مجروحین این انفجار نیز باید با بالاترین امکانات درمانی و کاملاً رایگان مورد مداوا قرار گیرند و زندگی آنها و کلیه آسیب دیدگانی که توان کار کردن را از دست داده اند تامین گردد. حزب اعلام میکند که سرگونی جمهوری اسلامی اولین قدم مهم در پایان دادن به ناملی محیط کار و قتلگاه هائی است که جمهوری اسلامی و نظامی که از آن پاسداری میکند، به اسم محیط کار به میلیون ها کارگر تحمیل کرده است.

گرامی باد یاد جانباختگان فاجعه انفجار خط لوله گاز سرخس مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران ۱ مهر ۱۳۸۹، ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۰

نموده است. یکی از بازندگان سفر پاپ به انگلستان ملکه و دستگاه سلطنت بود که قبل از آن نیز موقعیت چندان رضایت بخشی نداشت. بهر رو در پایان سفر پاپ به انگلستان مذهب و کلیسا و بویژه واتیکان نه فقط در انگلستان بلکه در همه جا در موقعیت ضعیف تری قرار گرفتند و عواقب این وضعیت بعداً بیشتر خود را نشان خواهد داد. یکی از اثرات فوری این ضربه میتوان این باشد که جنایات و تجاوزات کلیسا و مذهب در حق مردم و بویژه کودکان و زنان که بسیار در همه جای جهان گسترده است، و سوء استفاده های مالی و ثروتهای بیکران واتیکان و کلیسا با بیطرفی بیشتری مورد بازبینی و بررسی و افشاکاری قرار گیرد.\*

طبق یکی از گزارشات منتشر شده، دهها هزار نفر در مراسم خاکسپاری کارگران جانباخته در هفشجان شهر کرد شرکت کردند و یاد عزیزان خود را گرامی داشتند. تعداد جانباختگان همچنان افزایش می یابد و گفته میشود که حداقل ۱۲ نفر از جانباختگان اهل هفشجان از توابع شهر کرد بوده اند. مزدوران جمهوری اسلامی، وحشتزده از این تظاهرات بزرگ، سعی کردند شعارهای رژیم را به این مراسم تحمیل کنند که با عکس العمل تند مردم مواجه شدند.

در اطلاعیه ای قبلاً اطلاع دادیم که در انفجار خط لوله سراسری گاز سرخس در مشهد که روز ۱۹ شهریور اتفاق افتاد، حداقل ۹ نفر جان خود را از دست دادند و بیش از ۲۰ نفر سوختگی شدید پیدا کردند و راهی بیمارستانها شدند. متأسفانه به دلیل جراحات شدید و عدم امکانات درمانی کافی، تعداد دیگری از مجروحان نیز تاکنون جان خود را از دست داده اند. جمهوری اسلامی تعداد جانباختگان را ۴ نفر ذکر کرده است و سعی کرده است ابعاد فاجعه را کوچک جلوه بدهد. حتی قربانیان این انفجار را منتشر نکرده است.

اسامی تعدادی از جانباختگان این انفجار که تاکنون مشخص شده به این شرح میباشد: عباسعلی اله بخشی، سلیمان شیخی، نصرت اله عسگری، مسلم صادقی، فردین کیوانی، صادق کنعانی، سعید امینی، شهرام عالی پور، حمید کاظمی نیا، محمد

جنسی به کودکان توسط کلیسای کاتولیک نیست که به این فضا کمک کرده است. در واقع نفس رو شدن جنایات سابقه دار کشیشان و کلیسا در سالهای اخیر در عین حال محصول گسترش قبلی این فضای فاصله گرفتن از مذهب است که این امکان و فضا را بیشتر از پیش ایجاد کرده است که سوابق کلیسا و کشیشان و کاردینالهای مذهبی کنکاش شود و به رسانه ها کشیده شود و خود بر قدرت مذهب و کلیسا ضربه وارد کنند. تلاش دم و دستگاه رسمی و بویژه دستگاه سلطنت و محافظه کاران برای تقویت مذهب گرایی در این کشور نیز به مذهب کمک چندان نکرده است بلکه خود سیستم سیاسی و سنتی این کشور را هم بیش از پیش تضعیف

گسترده تری بزنند. رسانه های متعددی از لحظات قرائت پیام توسط سجاد و سخنرانی های ماریا روحالی ویدی محمودی، خبر و گزارش تهیه کرده و شبکه بزرگ تلویزیونی برزیلی این قسمت برنامه را مستقیم پخش کرد. جمهوری اسلامی سجاد و شگنجه و جنایت است و باید از سازمان ملل و کلیه مجامع بین المللی اخراج شود و سفارتخانه های آن همه جا بسته شود. این خواست مشروع مردم ایران است.

کمیته بین المللی علیه اعدام  
کمیته بین المللی علیه سنگسار  
۲۳ سپتامبر ۲۰۱۰



برجسته ای داشته است و بسیاری او را در انگلستان بعنوان شخصیت سکولار ضد قوانین شرعیه میشناسند. مریم نمازی گفت "ما در کره دیگری زندگی نمیکنیم. و از قرنها گذشته سخن نمیگویم. ما اینجا جمع شده ایم تا بگویم همه ثانیه ها و همه دقیق و همه ساعتها و همه روزها مجموعه مذاهب از جنگها و جنایات و وحشیگریها دفاع کرده اند... ما خواهان حقوق انسانی و جامعه انسانی هستیم و اینجا جمع شده ایم که بگویم انتخاب ما انسانیت است. اما پاپ در برابر انسانیت از مذهب دفاع میکند."

سفر پاپ به انگلستان يك ضربه به کلیسا و مذهب بود. شاید این آخرین سفر يك پاپ به انگلستان باشد. انگلستان در مقایسه با خیلی از کشورهای اروپایی يك کشور محافظه کار شناخته میشود که گرچه جنبش سکولاریستی سابقه دار و قابل توجهی در آن از قدیم وجود دارد، اما سنت احترام به مذهب همچنان قوی است. در سالهای اخیر هیچگاه انگلستان يك حرکت ضد مذهبی به این گستردگی ندیده بود. گرچه شاخه گسترده تر و قدرتمندتر مسیحیت در انگلستان پروتستانسم است و نه کاتولیسیم اما در سالهای اخیر میتوان این را احساس کرد که این فضا دارد شکسته میشود و کل مذهب است که به تدریج دارد موقعیت ضعیف تری پیدا میکند. این فقط رسوایی تجاوزات

## تظاهرات کنندگان در نیویورک خواهان آزادی سکینه محمدی آشتیانی شدند!

عکس سکینه در دست صدها نفر به چشم میخورد!

شعارهای تظاهرات کنندگان در محکومیت اعدام و سنگسار و در محکومیت جنایات حکومت اسلامی ایران بود.

سجاد قادرزاده پسر سکینه، در پیامی تلفنی به این تظاهرات از همه کسانی که در کمپین نجات مادرش فعالیت میکنند قدردانی کرد و خواهان آزادی فوری مادرش شد. بدنبال این پیام، ویدی محمودی و ماریا روحالی در سخنرانی های خود از مردم دعوت کردند که برای نجات سکینه و اعتراض به حکومت اسلامی دست به اقدامات

در تظاهرات هزاران نفره امروز در نیویورک که علیه حضور احمدی نژاد در اجلاس سازمان ملل و علیه جمهوری اسلامی برپا شده بود، سکینه محمدی آشتیانی جایگاه ویژه ای بخود گرفت. در حالیکه احمدی نژاد در هر مصاحبه و گفتگویش، مجبور به پاسخ دادن به سوالات خبرنگاران در مورد سکینه و سنگسار و اعدامها در ایران بود، تظاهرکنندگان در میتینگ اعتراضی امروز، عکسهای سکینه را در دست داشته و فریاد آزادی فوری او را سر میدادند. بسیاری از پلاکاردها و

### از صفحه ۱

کند که این وضعیت حاصل تعرض جنبش سکولار و آنتیستی علیه مذهب است. او گفت "این کشور باید از ریشه ها و سوابق مسیحی خود در برابر تعرض سکولاریسم متعزز و آنتیسم (بی خدایی) افراطی دفاع کند". او که خود در نوجوانی عضو سازمان جوانان نازی بوده است، ناشیانه هیتلر را به آنتیسم منتسب کرد و این امکان را فراهم کرد که سوابق او و سوابق حمایت کلیسا از جنایات نازیستها و هیتلر توسط داو کینز زیر نورافکن قرار گیرد. داو کینز در سخنرانی خود در هاید پارک که یکی از برجسته ترین حرکتها ضد مذهبی در انگلستان به شمار میرود، اعلام کرد و نشان داد که پاپ دشمن بشریت است. پاپ دشمن کودکان است. پاپ دشمن زنان است. پاپ دشمن علم است. پاپ دشمن آموزش است. او در واقع نشان داد که حرکت مردم علیه پاپ و کلیسا در عین حال يك حرکت سیاسی و برابری طلبانه و انسان دوستانه است.

جالب اینست که یکی از سخنرانان اصلی تجمع عظیم هایدپارک مریم نمازی بود. مریم این حرکت ضد پاپ و ضد واتیکان و کلیسا را به جنبش ضد جمهوری اسلامی، ضد قوانین شرعیه و ضد سنگسار متصل نمود و مورد استقبال بسیار پرشور شرکت کنندگان قرار گرفت. در واقع یکی از فاکتورهایی که به فضای ضد مذهب و ضد کلیسا در انگلستان کمک کرده یا بر آن تاثیر گذاشته است، کمپین جهانی علیه سنگسار و علیه جمهوری اسلامی و قبل از آن کمپین ضد قوانین شرعیه است که مریم نمازی در آن نقش

### یک ضربه تاریخی به ...

رسمی انگلستان برای خنثی کردن این فشار استفاده نماید. مقامات انگلستان از پاپ همچون يك رئیس دولت استقبال کردند. ملکه انگلستان و دوک ادینبورگ شوهرش و نخست وزیر محافظه کار این کشور کامرون و مقامات بالای حکومتی به استقبال پاپ شتافتند. مراسم رسمی برگزار کردند. رسانه های مختلف در آستانه سفر او به تبلیغات در مورد سفر پاپ پرداختند و تلاش کردند فضای مناسبی برای سفر عالی رتبه ترین مقام کلیسای کاتولیک ایجاد نمایند. اما وقتی که روز ۱۶ سپتامبر پاپ وارد انگلستان شد علیرغم همه این تمهیدات هیچکس نتوانست سفر او را با هر درجه از اغراق موفقیت آمیز ارزیابی کند. سفر پاپ يك شکست برای واتیکان و کاتولیسیم و کلا مذهب بود. استقبال چندان حتی از جانب کاتولیکها از او نشد. بلیطهایی که برای شرکت در مراسم سخنرانی او تهیه کرده بودند بسیاری بفروش نرفت. و مهمتر از همه اینکه در تجمعی که همزمان با این سفر در هاید پارک لندن به اعتراض به پاپ و به فراخوان شخصیتهای ضد مذهبی ای چون ریچارد داو کینز و کریستوفر هیچین برگزار شد، قریب ۱۵۰۰۰ نفر شرکت کردند و علیه پاپ و کلیسا و تجاوزات مذهب سخنرانی کردند و شعار دادند و راهپیمایی کردند. عکسهای پاپ با علامت "وانتد" یا تحت تعقیب در دست بسیاری از تظاهر کنندگان بود. جمعیت شعار میدادند "شرم بر پاپ"، "ما او را اینجا نمیخواهیم" و امثال اینها. پاپ در همان روز اول این فضا را احساس کرده بود و نتوانست مخفی

## بازتاب هفته

### جناح بندی ها و اختلافات حکومتی پایانی ندارد



محمد شکوهی

در ماهها و بویژه هفته های اخیر شکافها در جناح حاکم جمهوری اسلامی که خود را "اصولگرا" میخواند آنچنان عمیق شده است که دیگر نام بردن از یک جناح بهیچ وجه واقعیت را بیان نمیکند و در واقع گمراه کننده است. ارگانهای حکومتی بویژه دولت و مجلس مدام در حال کشمکش برای "اثبات" درستی و "خط امامی بودن" مواضع و سیاستهایشان هستند. دعوایها تا آنجا پیش رفته است که خامنه ای مثل همیشه مجبور شد در برابر انتقادات سایر ارگانهای حکومتی نظیر مجلس و شورای نگهبان از دولت احمدی نژاد رسماً دخالت کرده و طبق معمول جانب احمدی نژاد را بگیرد. البته یکی دو هفته قبل تر در جریان کشاکش احمدی نژاد و منوچهر متکی وزیر امور خارجه و تعیین مشاورینی از جانب احمدی نژاد به جای مقامات این وزارتخانه، خامنه ای جانب منوچهر متکی را گرفت و از "موازی کاری" در دولت انتقاد کرد. و کیهان و اطلاعات و امام جمعه های مختلف هم همین را دست گرفتند و به احمدی نژاد حمله کردند. تا آنجایی که محورهای این اختلافات حکومتی به بیرون درز کرده و بر سر آنها باندهای حکومتی بر علیه همدیگر

### آتش به جان مذهب

یاشار سهندی

تاریخ بشر مملو از تلاش انسانهایی است که خواسته اند و توانسته اند در مقابل کابوس مذهب پایداری کنند. دوران رنسانس در اروپا تلاش جدی بود برای پس راندن مذهب. مذهبی که جوازش در مقابل استدلال انسانی در مقابل مقدسات آسمانی سوزاندن انسانها در آتش بود، اما تلاش مزبور با وجود همه آن وحشیگریها به ثمر نشست و مذهب در اروپا به عقب نشینی جدی وادار شد. قرنهای بعد برای مقابله با انسانهای دیگر، که زندگی

اختلافات حکومتی را گسترده تر کرده است. بویژه که در ماههای اخیر باند احمدی نژاد - مشایب مسائلی را مطرح کرده اند که از نظر جناح مقابل و اصولگرایی خارج حکومت، "خوانایی" با سیاستهای تاکتونی جمهوری اسلامی و مواضع اعلام شده خمینی در این موارد ندارد. برای مثال اظهارات احمدی نژاد مبنی بر اینکه دیگر مجلس در راس امور نیست! دفاع احمدی نژاد و مشایب از کوروش، همسویی با بحث های "مکتب ایرانی" مشایب، و امثال اینها موضوعاتی هستند که عصبانیت مجلس، شورای نگهبان و برخی از چهره های شاخص اصولگرایان حکومتی را برانگیخته است. اینها بنابر ادعاهای باندها و ارگانهای حکومتی محوره های "مهم" اختلافاتشان می باشد. در پس تمامی این اختلافاتی که باندهای حکومتی به آن اعتراف کرده و می کنند، کلیت جمهوری اسلامی با بحران جدی سیاسی و اقتصادی خود را بروز میدهد که باعث بروز اختلافات در گردانندگان بالای حکومت گردیده است. جمهوری اسلامی جمهوری بحران بوده و می باشد. جمهوری اسلامی هیچگاه بدون اختلافات حکومتی، بدون تصفیه های خونین حکومتی، بدون اختلافات و کشاکشها نبوده است. از بدو شکل گیری اش با بحران زاینده شده و بیش از سه دهه است که ادامه دارد. اما بحرانی که امروز حکومت در آن گرفتار آمده و باندهای حکومتی رسماً و علناً بر علیه همدیگر شمشیر کشیده و افشاکاری می کنند، فقط بروزات خارجی بحران بس عمیق تری هستند که دلایل دیگری دارد، که بخش اینها و آنجا خود مقامات حکومتی به آن اعتراف کرده اند. واقعیت این است که اسلام سیاسی و نماینده سیاسی آن رژیم

انسانی مذهبی مردم را به عذاب دچار کرده اند که خود خدا و رسول خدا در آن قرآن وعده آنرا در آخرت داده بودند اما در همین دنیا به اجرا گذاشتند و آتش به زندگی مردم انداخته اند. مجریان این قوانین خانمان سوز یکی بعد از دیگری گلو پاره کردند تا شاید نفسی تازه کرده باشند و جنبش مردم انقلابی را به پس رانده باشند. علی لاریجانی که ریاست مجلسی را دارد که روزی نیست قانونی را از تصویب نگذارد که به فلاکت بیشتر مردم نیانجامد خواستار این شده است که "تدوین منشور جهانی برای جلوگیری از توهین به مقدسات ادیان آسمانی" در دستور

جمهوری اسلامی، سیاست اسلامیزه کردن جامعه ایران، و تمامی تقلاهای حکومت در این راستا شکست خورده و دیگر کسی از مردم وقعی بر این سیاستها نگذاشته و بیش از سه دهه است که مردم در برابر تهاجم اسلامیزه کردن جامعه در همه سطوحش ایستاده و جنگیده و رژیم و سیاستهایش را نه فقط به عقب رانده اند، بلکه با جرات می توان گفت که به شکست کشانده اند. از نظر مردم جمهوری اسلامی باید برود و مردم درگیر این کار می باشند. پایه های ایندولوتیک و سیاسی نظامی که خمینی بنیان گذاشت، امروز به لرزه در آمده و دیگر قابل ترمیم نیست. این حکومت در بن بست اقتصادی و سیاسی لاعلاجی دست و پا میزند و وحشت سراسر از خیزش مجدد مردم آنها را بیش از پیش به جان هم می اندازد. به میان کشیدن موضوع ناسیونالیسم ایرانی - اسلامی از طرف دولت و یک باند حکومتی قرار است از نظر حکومت آن چسب وحدتی باشد که فعلاً می تواند حکومت را نجات بدهد. دمیدن در بوق و کرنا "ایرانیت و اسلامیت"، مدح و ثنای هویت ایرانی به جای هویت اسلامی، بخشا به میدان کشاندن "افسانه ایران" و تاریخ و تمدن ایرانی، و... قرار است به عنوان یک جهت گیری برای تضمین بقای حکومت به کار گرفته بشود. خودشان هم می دانند که دوره عریضه کشی های اسلامی تمام شده و دنبال جایگزین برایش می باشند و در این میان چه بهتر از دمیدن در هویت ایرانی - اسلامی و میدان دادن به ناسیونالیسم ایرانی که همیشه یار دیرین اسلام و آخوند بوده است. بخشی از انتقادات آیت الله های حکومتی در اعتراض به همین بلند کردن پرچم هویت ایرانی است که خواهان باز گشت به "سیره امامشان" شده اند. اما خود ولی فقیه و

جهانی علیه سنگسار سکینه محمدی آشتیانی این جنبش و بخصوص جمهوری اسلامی به شدت زیر فشار مردم متمسکن جهان بود و راه نفس کشیدنش بریده شده است. کشیش مزبور کوتاه آمد، اما در ۱۱ سپتامبر مردمی در نیویورک "قران سوزی" را براه انداختند و این بهانه ای شد برای فاشیستهای اسلامی تا در ایران خودشان را به زمین و آسمان بکوبند تا شاید مردم در ایران دل شان به حال اسلام و جمهوری اسلامی بسوزد و از خواسته خود سرنگونی این حکومت سیاه مذهبی دست بکشند. حکومتی که سی سال است با اجرای قوانین ضد

احمدی نژاد و مشاورانشان بهتر از هر کسی می دانند که در حکومت ماندنشان با ایده آل ها و آرمانهای خمینی و جمهوری اسلامی دیگر ممکن نیست و باید در جستجوی هویت دیگری باشند. بحران هویتی و ایدئولوژیکی که کل حکومت در آن دست و پا می زند، بخش هایی از حکومت را به صرافت میدان دادن و دمیدن در ناسیونالیسم ایرانی انداخته است، به این امید که یکبار دیگر مردم را حول حکومت و در دفاع از حکومت به میدان بکشد. اما اینها چرخش هایی است که در اثر فشار مقاومت و مبارزه مردم در برابر سیاستهای حکومت تحمیل شده و دردی از آنها دوا نمیکند. تبلیغ ناسیونالیسم و هویت ایرانی به جای ایده آل ها و آرمانهای "جامعه توحیدی" و حکومت اسلامی با هر نیتی که از طرف حکومت می شود، دلیلی بر شکست و بن بست کلیت سیاستهای اسلامیزه کردن جامعه ایران می باشد. تاکنون این تلاشها نه فقط کمکی به یکپارچه کردن نیروهای حکومتی نکرده بلکه دقیقاً بر عکس عمل کرده است و بیشتر اختلافات را تشدید کرده است. اساس مساله همان است که حکومتی که کل موجودیت خود را در خطر می بیند مدام به انشاقات بیشتر کشیده میشود و دست اندرکارانش به جان یکدیگر می افتند. تمام جناح بندیهای حکومت از اینجا ناشی میشود و پایانی بر این جناح بندی شدن و جنگ و نزاعها تا سرنگونی حکومت متصور نیست. مردم هم جلوی چشم خویش بن بست و شکست سیاستهایش را می بینند و روحیه بالاتری برای زدن زیر قوانین و سنتها و سیاستهای حکومت پیدا میکنند.\*

کشیشی در امریکا اعلام کرد میخواهد در سالگرد ۱۱ سپتامبر قرآن سوزی راه بیندازد. بسوزاند. این "امداد غیبی"، جنبش اسلامی را که سراسر توهین به بشریت است به تحریک واداشت و فریاد "وا اسلاما" کشید که "چه نشسته اید کلام خدا را میخوانند بسوزانند" و "به مقدسات مسلمانان توهین شد". و بشیوه همیشگی شان خود را جنبش مظلوم و بی آزاری نشان میداد که فقط طهارت میکنند و نماز میخوانند مگر اینکه پا روی دشمن گذاشته شود! اینبار اما در برهه ای این امداد غیبی رسید که به خاطر کمپین صفحه ۵

## بازتاب هفته

توان صفر

دست یابی تروریستها به سلاح اتمی اجتناب ناپذیر است از نیوزویک



ترجمه احمد فاطمی

ضد اطلاعاتی برای کنترل تسلیحات اتمی برده بر میدارد بطور جدی هشدار دهنده و قابل توجه است و نوشته اش ارزش خواندن و توجه دارد.

\*\*\*

نیوزویک مقاله را اینطور معرفی می‌کند: پس از سالها تلاش برای جلوگیری از بازار سیاه اتمی، این جاسوس سابق سیا معتقد است که تنها راه جلوگیری از دستیابی تروریستها به بمب، نابودی تمام سلاح‌های اتمی است. پالمه مینویسد: "هنوز غبار آسمان خراش‌های نیویورک ننشسته بود که سیا خبر دار شد که چند روز پیش از ۱۱ سپتامبر، بن لادن با یک دانشمند اتمی پاکستانی ملاقات کرده و طالب تکنولوژی ساخت بمب اتمی شده بود. این خبر مساله تروریسم اتمی را به صدر جدول تهدید بر علیه کشورهای متمدن راند. فعالیت‌های پنهانی من به عنوان یک مأمور سیا در ارتباط با جلوگیری از توسعه جنگ افزار هسته‌ای یکبار جالب توجه شد، و تلاش برای پیشگیری از یک یازده سپتامبر هسته‌ای را در دستور گذاشت. ما میدانستیم که وحشت منفرج کردن یک بمب اتمی در یکی از شهرهای بزرگ از تمام فاجعه‌هایی که برای کشور ما روی داده فراتر خواهد رفت، صدها هزار نفر قربانی گرفته و عواقب اقتصادی و اجتماعی ناگهانی و فاجعه باری خواهد داشت." پالمه ادامه میدهد "۹ سال پس از آن تاریخ من می‌پرسم چه کسی در این نبرد اراده‌ها بین دنیای متمدن و گروه‌های تروریستی برای ساختن، خرید، و یا سرقت بمب پیروز تر است؟ من دوست دارم باور کنم که اشرار این نبرد را میبازند اما واقعیت این است که تا آن هنگام که مواد لازم برای بمب در جهان وجود دارد، دستیابی اشرار به آن دیر یا زود ممکن است. فعالیت‌های جسورانه تیمی سیا و شرکای متعدد ما تا به امروز از یک حمله اتمی پیشگیری کرده است، اما تجربه من به عنوان بخشی از این فعالیت بر این دلالت می‌کند که تنها راه خاتمه دادن به این خطر مهر و موم کردن تمام مواد و نابودی تمام بمب‌های موجود در جهان است." والری پالمه می‌گوید که اینک تصمیم گرفته است که هدف فوق را با ایجاد و رهبری یک گروه بنام "گلوبال زیرو" متحقق کند. ایشان اخیرا در همین راستا در یک فیلم مستند هم شرکت داشته است. نام این مستند شمارش معکوس تا صفر است و

توسط سازنده همان مستند معروف "حقیقت ناخوشایند" لاورنس بندر تهیه شده و به قول پالمه نشان میدهد که چرا زندگی در جهانی پر از سلاح هسته‌ای یک آلترناتیو محسوب نمی‌شود. پالمه می‌گوید تنها امید به بقا بشر نابودی سریع تمام تسلیحات هسته‌ای است. وی می‌گوید آلترناتیو دیگر پذیرش گسترش تسلیحات هسته‌ای به تمام جهان است و قبول این که که تروریست‌ها دیر یا زود یکی از شهرهای اصلی را هدف قرار بدهند.

پالمه از سازمان جهانی انرژی هسته‌ای نقل می‌کند که، حد اقل ۲۵ مورد وجود دارند که طی آنها مواد هسته‌ای مفقود شده و یا به سرقت رفته اند. وی ادامه می‌دهد: "اگر تخمین بزنیم که ۱۰ تا ۳۰ درصد این مواد در خلال سالهای آینده وارد بازار سیاه بشوند، برای ساختن ۲ تا ۵ بمب کافی خواهند بود. و سیا در تلاش است که مانع این بشود، اما این امر اگر نشط و گم شدن مواد ادامه پیدا کند کار شاقی خواهد بود." وی می‌گوید که "شاید ما در جزئیات ندانیم که میزان این فعالیت‌های بازار سیاه اتمی چه اندازه است، اما این را میدانیم که این معامله در بازار سیاه جریان دارد. این سالها پیش از اینکه گروه من در سیا مسج آقای خان، پدر بمب اتمی پاکستان را در سال ۲۰۰۳ برای فروش یک بمب به لیبی بگیرد شروع شده بود." پالمه برای روشن کردن ابعاد عملی مساله به این اشاره میکند که "اگر تروریستها دستشان به اورانیوم غنی شده برسد، کافی است که به اندازه یک پرتغال بزرگ از این ماده را به یکی از شهرهای بزرگ وارد و در محل منفجر کنند. ۵۰ کیلو اورانیوم غنی شده در یک جعبه کفش به می‌گیرد و روزی ۱۰۰ هزار کانتینر حمل کالا از راه دریا وارد خاک آمریکا میشود." پالمه که حتما به اندازه کافی در این مورد اطلاع دارد می‌گوید که تجهیزات ردیابی مواد رادیو اکتیو در بنادر آمریکا شانس کمی در ردیابی این مواد که براحتمی در میان سایر کالاها پنهان میشوند دارند، تکنولوژی ساخت بمب دیگر جزو اسرار محسوب نمی‌شود و دانشجویان آمریکایی هر روز و با استفاده از آنچه که در بازار آزاد یافت میشود به طراحی و ساخت بمب اتمی منهای اورانیوم غنی شده می‌پردازند. پالمه در باره "شمارش معکوس تا صفر" می‌گوید که مساله تنها خطر دستیابی تروریستها به جنگ افزار اتمی نیست و اگر کشورهایی نظیر ایران به این نوع تسلیحات دست

یابند خطر یک مسابقه تسلیحاتی افزایش یافته، و وقوع یک فاجعه بر مبنای خطا، محاسبه غلط و یا دیوانگی هم افزایش پیدا می‌کند. او می‌گوید که حتا در آمریکا بارها چنین فاجعه‌هایی در شرف وقوع بوده‌اند و امکان بروز یک جنگ اتمی ممکن بوده است. او اضافه می‌کند که بارها هواپیماها، کشتی‌ها و زیر دریایی‌های آمریکایی و روسی حامل سلاح اتمی سقوط کرده و یا غرق شده‌اند.

پالمه مقاله خود را این چنین به پایان می‌برد: پس از سالها مبارزه پنهانی با گسترش تسلیحات اتمی به سایر ملتها و تروریستها، به اعتقاد من ما در حال باختن این عرصه هستیم. تنها راه جلوگیری از فاجعه، قتل کردن تمام تسلیحات اتمی و مواد لازم برای ساختن آنها، و سپس نابود کردن کامل آنهاست. اینکار سالها طول خواهد کشید، آمریکا و روسیه که ۹۵ درصد زرادخانه اتمی دنیا را در اختیار دارند باید انبارهای زمان جنگ سرد را کاهش دهند و سپس از راه همکاری با سایر قدرتهای بزرگ نظیر چین در جهت کاهش جهانی این تسلیحات بکوشند و نابودی جهانی این تسلیحات را یک اولویت جهانی کنند و هیچ استثنایی از جمله اسرائیل و ایران

## آتش به جان مذهب...

انسانی را می‌خواستند، مذهب از نوعی دیگر از گور بیرون کشیده شد تا مردمی را به هر شیوه‌ای ضد بشری، که فراوان در چنته مذهب است، ساکت و آرام کند. سی سال است این کشمکش ادامه داشته. با وجود سنگسار، اعدام، شکنجه، تجاوز، خمینی، خاتمی، خامنه‌ای و احمدی نژاد و از سوی دیگر بن لادن، ظواهری و طالبان و امثال این آدمکشان، نتوانسته‌اند مردم را ساکت کنند. هر شیوه‌ای که میشد این مردم را زجر کش کرد تا شاید ساکت شوند بکار بردند اما افاقه نکرده است. ما شاهد هستیم که دنیا این روزها رسماً در مقابل یکی از شقی ترین قوانین مذهبی ایستاده است و این آن آتشی است که بالای جان مذهب شده است. و گر نه با قرآن سوزاندن فرجی حاصل نمی‌شود. به قول خودشان یک میلیون در ازای هر نسخه سوخته منتشر خواهند کرد، اما در مقابل اعتراض جهانی مردم متمدن جهان عاجز

را نپذیرند. ما نیازمند تقویت کنترل تاسیسات هسته‌ای هستیم و بازرسان بین المللی باید بدون هیچ محدودیتی قادر به بازرسی از هر تاسیساتی در هر نقطه از جهان باشند. از سال ۴۵ به این سو هیچ کشوری قادر به دور زدن ردیابی تولیدات هسته‌ای نشده و رد تمامی این مواد موجود است. امروز اکثر آنهایی که مدافع تولید تسلیحات اتمی بودند هم متقاعد شده‌اند که خطر نه جنگ هسته‌ای با چین و روسیه، بلکه گسترش و دستیابی تروریستها به سلاح اتمی است. دستیابی به "گلوبال زیرو" هر چند سخت اما ممکن است. و منافع ما در نابودی آنچه از تسلیحات اتمی در اختیار داریم از منافع احتمالی حفظ آنها فراتر می‌رود. پالمه ضمن اشاره به توافقی‌های موجود بین ایالات متحده و روسیه و کاهش زرادخانه‌های هسته‌ای از ۷۰۰۰۰ به ۲۳۰۰۰ کلاهک اتمی طی ۲۰ سال گذشته و توافقات سیاسی موجود در ادامه این روند معتقد است که ایالات متحده که در قرن گذشته دنیا را از خطر نازیسم رها کرده، با طرح مارشال اروپای بعد از جنگ را باز سازی کرده، و در گسترش حقوق بشر پیشرو و رهبر بوده، در این رابطه هم باید نقش رهبری دنیا را به عهده بگیرد.\*

## از صفحه ۴

هستند. میلیون میلیون قانون "جلوگیری از توهین به مقدسات آسمانی" هم تصویب شود نمی‌تواند جلو آتشی که به جان مذهب افتاده را بگیرد. تمام کف بالا آوردن جنبش اسلامی و جمهوری اسلامی یک هفته دوام آورد بدون آنکه ذره‌ای مردم را بترساند. این همه به واسطه رنسانی است که در ایران در حال وقوع است. این رنسانس متکی به توده مردمی است که سی سال است با وجود نهایت وحشیگری مذهب دست به انقلاب رهایی بخش زده‌اند که یک گوشه آن زودن قداست "مقدسات آسمانی" است و نهایت رهایی کل بشر از این دستگاه جهل و توهین و کشتار است. هیچ قدیس آسمانی و هیچ سلاح گرم زمینی و هیچ تلاش جلادان گنمان و با نام نمی‌تواند جلوی این آتش را بگیرد. جنبش اسلامی و جمهوری اسلامی این را بخوبی میدانند و تلاشهای مذبحخانه‌ای از نوع تلاش لاریجانی آب در هاون کوفتن است.\*

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

## جنبش انسانی و رسوایی رئیس حکومت سنگسار

غلام اکبری



ترانه میسرایند و به اشکال مختلفی جلال میکنند! رئیس جمهور آرزو میکند که هیچ کس بیاد نیاورد که: "سفارت جمهوری اسلامی ایران در لندن روز جمعه (۹ ژوئیه / ۱۸ تیر) در واکنش به اعتراض‌های بین‌المللی در اطلاعیه‌ای اعلام کرد، حکم سنگسار سکینه محمدی آشتیانی اجرا نمی‌شود. اما محمد جواد لاریجانی، «دبیر ستاد حقوق بشر» قوه قضاییه به ایرنا گفته است، «نظام قضایی ما نمی‌تواند بدلیل این تهاجمات غرب و فشارهای رسانه‌ای مسیر خود را تغییر دهد. سنگسار جز و احکام شرع مقدس اسلام است و نظام قضایی ایران به دلیل فشارهای غرب از اجرای آن منصرف نخواهد شد». از آنجایی که فشار افکار عمومی جهانی باعث شده که دولت‌ها هم تلویحا از کمپین نجات سکینه دفاع کنند، احمدی نژاد و رژیم اسلامی سعی میکنند که به هر قیمتی که شده خود را از زیر فشار دریابورند. بعد از دروغی که حتی خودش باورش نکرد، احمدی نژاد در ژست یک انسان دوست که حتی حاضر نیست به یک مورچه هم آزار برسد ضمن اشاره به روشهای اعدام در آمریکا و کشورهای دوست آمریکا،

یک نوع از بیماریهای حافظه این است که شخص بیمار بنا به دلالتی حافظه دراز مدتش کار نمیکند و فقط حافظه کوتاه مدتش قابل دسترس است. از آنجایی که حافظه کوتاه مدت محدود است، وقتی اطلاعات جدیدی به مغز داده میشود، به معنی این است که اطلاعات قبلی خارج میشوند. به این خاطر است که اینگونه افراد خبر ندارند مثلا دیروز چکار کردند. احمدی نژاد و دستگاه حکومتیش هم اگر خود دچار این بیماری نشده باشند، فکر میکنند تمام مردم آزادیخواه و انسان دوست دنیا، دچار این بیماری هستند. احمدی نژاد در مصاحبه با شبکه ای بی سی گفت: «برای سکینه محمدی آشتیانی هیچ‌گاه حکم سنگسار صادر نشده است... یک شخص در آلمان با انتشار خبرهای کذب در این باره، سروصدایی ایجاد کرد و این موضوعی بر علیه ایران شد». عجب! معلوم شد فرزندان سکینه بی دلیل نگران سنگسار و اعدام مادرشان هستند و بی دلیل مردم دنیا دنبال یک شخص در آلمان که همان مینا احدی است که احمدی نژاد نمیخواهد اسمش را بگوید، راه افتاده اند و هر روز دارند تظاهرات میکنند و طومار امضا میکنند و

## حجاب برگیران در ...

از صفحه ۱

حکومت سخن گفته و فراخوان داده است. قبلا نیز در اخبار همین روزنامه آمده بود که امروز دیگر "بدحجابی" به "بی حجابی" و "کنف حجاب" تبدیل شده و به این اشاره داشت که برداشتن حجابها از داخل خودروها به فروشگاه ها و اماکن عمومی کشیده شده است. این روزنامه از اینکه در مناطقی از تهران زن های بدون حجاب برای خرید به مغازه ها مراجعه می کنند و ماموران انتظامی و "نهی از منکر" کاری از دستشان بر نمی آید، شکوه کرده بود.

مبارزه علیه حجاب، این سبمل و پرچم جمهوری اسلامی، امروز بیش از هر وقت به یک عرصه مهم مبارزه جنبش آزادی زن و جنبش علییه تبعیض علیه حکومت آپارتاید جنسی جمهوری اسلامی تبدیل شده است. با رشد جنبش حجاب برگیران این کل رژیم است که از طرف کل

اعلام کرد در آمریکا با سم و با برق آدمها را اعدام میکنند و در کشورهای دوست آمریکا هم با شمشیر گردن میزنند. چرا به اینها اعتراض نمیکنند. و مجری برنامه فورا از او پرسید منظورتان گردن زدن با شمشیر در کشورهای اسلامی است. و او که مانده بود چه جواب بدهد گفت من اسم نمیرم!

تنها احمدی نژاد نبود که ضمن مقایسه اعدام در ایران و آمریکا تلاش بر این داشت که فشار را از روی خود کم کند، مدیر امور بین الملل مرکز امور زنان ریاست جمهوری (شهین کربلائی) و یک "کارشناس مسائل حقوقی" و استاد دانشگاه تهران که قبلا عضو کمیسیون امنیت ملی بوده است (الهام امین زاده) ضمن مصاحبه با خبرگزاریهای داخلی مهر و فارس، در ۲۷ و ۲۹ شهریور، اعلام کردند که: "سکینه محمدی را پیراهن عثمان کرده اند و در مقابل اعدام ترزا، سکوت". الهام امین زاده میگوید: "آمریکا از جمله کشورهایی در جهان است که همه ساله بیشترین تعداد اعدامی ها در آن انجام میشود. دادگاههای آمریکا در سال ۲۰۰۸، ۲۷ نفر را به اعدام محکوم کردند. این در حالی است که این رقم برای سال ۲۰۰۹، ۵۲ نفر بود که یکبار آنها روی صندلی الکتریکی در ویرجینیا اعدام شد". ملاحظه میفرمایید که در حکومت جمهوری اسلامی چه کسانی در راس امور قرار دارند؟ کسانی که

جامعه به چالش کشیده شده است. با یک نگاه به خیابانها و ادارات و مدارس و دانشگاهها بیش از هر چیز رشد بالنده فضای جامعه و جنبش علییه تبعیض جنسیتی و جنبش اعتراضی مردم علیه رژیم اسلامی و استیصال و درماندگی آن در مقابل این جنبش را میتوان دید. اعترافات روزنامه جمهوری اسلامی و امام جمعه ها و مقامات حکومتی در مورد رشد بی حجابی و کشف حجاب، قدرت و ابعاد توده ای این جنبش عظیم را نشان میدهد. همین سال گذشته در چهارشنبه سوری و در هشت مارس شاهد حجاب سوزان بودیم و تاثیراتش را در حرکت اعتراضی انسانهای رادیکال در گرجستان در اعتراض علیه سنگسار سکینه و در ترکیه در اعتراض به علیه قوانین ارتجاعی اسلامی دیدیم. به عبارت روشنتر منتهاست که مردم به اشکال مختلف حجاب، این پرچم آپارتاید جمهوری اسلامی را بر

حتی یک حساب سر انگشتی بلد نیستند. به ایشان باید گفت اولاً ما و مردم دنیا علیه اعدام در همه جای دنیا از جمله آمریکا و عربستان و چین و هر جای دیگری هستند و این کمپین علیه هرکس و هر نیرویی است که انسانها را اعدام و سنگسار میکنند. ثانیاً با سیر کوتاهی در اینترنت میتوان این را دریافت که اولاً در برخی ایالات آمریکا زیر فشار همین جنبشهای انسانی مجازات اعدام، کلاً لغو شده است. برخی هم گرچه در قانون این مجازات وجود دارد اما ساهاست که کسی اعدام نشده است. در ایالاتی هم که حکم اعدام وجود دارد و اجرا شده است، از سال ۱۳۵۵ تا کنون یعنی طی تقریباً ۳۴ سال گذشته حدوداً ۱۲۵۰ نفر اعدام شده اند. این اعدامها از طرف خیلی از سازمانهای مردمی و انسان دوست مورد اعتراض قرار گرفته است و مبارزه برای لغو کامل مجازات اعدام از طرف فعالین این عرصه نه تنها لحظه ای قطع نشده است بلکه باید گفت خوشبختانه قدمهای موثری جلو رفته است. این پیروزی انسان دوستی است. اما در ایران بر سر مردم چه گذشته است؟ آمار اعدام طی حکومت ننگین ۳۱ ساله جمهوری اسلامی، چندین هزار نفر است. طی سالهای ۶۰ و ۶۱ هزاران آزادیخواه را قربانی تحکیم پایه های حکومت ننگین خود کردند. و در سال ۶۷ هم بین ده تا پانزده هزار نفر دیگر از مبارزان

زمین زده و در مقابل این حکومت ایستاده اند. در برابر این نیروی عظیم ضد ارتجاع و تاجر و تبعیض، جمهوری اسلامی، طرح امنیت اجتماعی و عفاف و حجابش را به راه انداخته است. اوباش حزب الله را به خیابان ریخته و به روی زنان حجاب و اسید پاشیده است. زنان را تحت عنوان "بدحجاب" دستگیر و زندانی و به شلاق کشیده است. و اخباری که امروز در روزنامه جمهوری اسلامی از حجاب برگیران زنان گزارش میکنند، شکست آشکار همه این سیاستها را به نمایش میگذارد. شکستی که بارها در اظهاراتش به آن اذعان کردند و فغان سر دادند. سی سال است که حکومت جمهوری اسلامی با پرچم حجاب، بیشترین ستم و نابرابری را بر زنان و برکل جامعه حاکم کرده است. اول تلاش کردند که حجاب را به زور بر

آزادیخواه ایران که در بند جمهوری اسلامی بودند، را قتل عام کردند. حالا این کارشناس حقوقی و استاد دانشگاه حکومت خونخوار اسلامی سعی میکند با مقایسه آماری، دستان آغشته به خون این جلادان و تیر خلاص زنها را تطهیر نماید. بعلاوه سنگسار جنایتی بسیار شنیع تر از اعدام است و جز در کشورهای اسلامی معدودی که اغلب تحت تاثیر جمهوری اسلامی هستند، در جای دیگری وجود ندارد. جالب اینست که احمدی نژاد در اشاره اش به کشورهایی که اعدام میکنند به دولت چین اشاره ای نمیکند زیرا هنوز دارای روابط حسنه با این کشور است و در این دوران انزوی بین المللی به مناسبات با این کشور نیازی بسیار حیاتی دارد.

بهررو جناب احمدی نژاد با انکار حکم سنگسار سکینه فقط رسوایی و آبرو باختگی برای خود خرید و به همگان نشان داد که قدرت اعتراض جهانی علیه سنگسار سکینه چگونه این حکومت و سرانش را به سرگیجه و دست و پا زدن مذبحوحانه دچار کرده است. ما تردیدی نداریم که جنبش انسانی علیه سنگسار و همینطور علیه اعدام در هر شکل آن، جمهوری اسلامی و کل نیروهای جنایتکار را به زانو در خواهد آورد و دور نخواهد بود روزی که این قوانین و این قتلهای شنیع دولتی کلا از صحنه تاریخ حذف شود.\*

سر زنان کنند و بعد قوانین اسلامی ارتجاعی، ضد انسانی شان را حاکم کردند و آپارتاید جنسی شان را بنا کردند. باید جنبشی که هم اکنون بر سر حجاب جاریست را با تمام قدرت تقویت کنیم. هر جا که با تعرض نیروهای انتظامی به زنانی که حجاب بر میدارند روبرو میشویم، فوراً باید مقابله کرد. نقشه مند و برنامه ریزی شده، بصورت گروهی در مترو ها و جاهای مختلف شهر، سازمانیافته و متحد، حجاب ها را برگرفت و همچون آرایشگر آنها به آکسیون های اعتراضی علیه جمهوری اسلامی و علیه حجاب تبدیل کرد. حجاب پرچم و شاهرگ حیاتی جمهوری اسلامی است. با دور انداختن حجاب حکومت متحجر و ضد بشری و چپاولگر سرمایه داران را هم برای همیشه دور بیندازیم.\*

**یک دنیای بهتر بر نامه حزب را بخوانید**

**و در سطح وسیع توزیع کنید**



## اعتراض مخالفین رژیم سنگسار به سینمای جمهوری اسلامی در تورنتو!

حضور جانبیان اسلامی با بلندگوهای قوی و بنر و پلاکاردهای علیه سنگسار، اعدام، شکنجه و ضرب و شتم مردم ایران و پخش اطلاعاتیه دست به افشاگری وسیعی زدند. مراجعه کنندگان که اطلاع چندانی از دست داشتن رژیم جنایکار اسلامی از برپایی این جشنواره را نداشتند تعدادی خود به صف معترضین پیوستند و جمعیت تظاهر کننده هر لحظه رو به افزایش بود، و تلاش کردند که به داخل سالن بروند که با ممانعت پلیس مواجه شدند این اعتراض پس از چند ساعت با سر دادن شعارهای علیه رژیم اسلامی و محکوم کردن این مراسم کذائی پایان یافت. تشکیلات حزب کمونیست کارگری ایران - واحد شرق کانادا، تورنتو

## بمب گذاری در اماکن عمومی کار جریانات اسلامی است در حاشیه انفجار بمب در مهاباد

فضایی استقبال می کند چون مداوما کوشیده است تحت بهانه های مختلف فضای شهرهای کردستان را بیشتر میلیتاریزه کند. نتیجه این عملیات کور و ضد انسانی از جانب هر نیروئی باشد، در خدمت مرعوب کردن مردم و حاشیه ای کردن جنبشهای انقلابی و اجتماعی خواهد بود.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری این حرکت تروریستی را محکوم می کند و از مردم شرافتمند و آزادیخواه کردستان می خواهد که با هوشیاری تمام در صفوفی متحد و یکپارچه، در برابر هر نوع تلاش حکومت برای میلیتاریزه کردن بیشتر شرایط و ارباب مردم، قاطعانه بایستند و این تلاشها را خنثی کنند. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری

۲۲ سپتامبر ۲۰۱۰ - ۳۱ شهریور ۱۳۸۹

## مشخصات کانال جدید

کانال جدید را بر روی هات برد، فرکانس ۱۱۲۰۰

۵/۶ : FEC، پلاریزاسیون عمودی، سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

هر روز از ساعت ۲۲/۳۰ تا ۳۰ دقیقه بامداد به وقت ایران

در شبکه KBC ببینید.

گسترش اعتراضات چه در داخل ایران و چه در سطح بین المللی منجر خواهد شد و مشکلات جمهوری اسلامی را بیشتر خواهد کرد.

سازمان جوانان کمونیست احضار، ارباب و سرکوب و تهدید دانشجویان را قویا محکوم می کند و جوانان و دانشجویان را فرا می خواند در مقابل هر احضار و بازداشتی دست به اعتراض و افشاگری علیه حکومت دزدان و آدمکشان اسلامی بزنند. هیچ تعرضی به دانشجویان از طرف حکومت نباید بی پاسخ بماند. آزادی زندانی سیاسی و دانشجویان زندانی، آزادی بیان و تجمع و تشکل، معرفی عاملین و آمرین جنایت علیه مردم و به خصوص حمله به کوی دانشگاه و برچیدن کمیته های انضباطی و لغو جداسازی جنسیتی از جمله مطالبات دانشجویان است که همواره و در هر تجمع و بیانیه و فعالیتی باید با قدرت هر چه تمام طرح کنیم و خواهان اجرای آنها باشیم.

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد حکومت انسانی

سازمان جوانان کمونیست

۲۶ شهریور ۸۹، ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۰

جنبشی مطالباتی و اعلام خواستهایمان و با صف متحد مبارزه مان، تعرضشان را سد کنیم. تا آنجا که به کودکان ما و سال تحصیلی باز میگردد، باید اعلام کنیم که جای کودکان ما در مدرسه است و نه در خیابان. در همه محلات خانواده ها میتوانند با هم جمع شوند و کودکانشان را به مدرسه ببرند. اعلام کنند که قرانی بابت تحصیل فرزندانشان نخواهند پرداخت و با هر مانعی با اعتراض متحدهشان مقابله خواهند کرد. اعلام کنیم که سال تحصیلی جدید است و تامین کتاب و پوشاک و وسایل تحصیل در صدر کار ماست و به همین خاطر پول برق و آب و ترانسپورت را نمیدهیم و بچه های ما باید به مدرسه روند. طومار اعتراضی بنویسیم و وسیعا اعلام کنیم که دستمزد و حقوق ما باید حداقل و در گام اول یک میلیون باشد. و در محلات و در کارخانجات حول این خواستها متحد شویم. به جانبیان اسلامی اجازه ندهیم که سرنوشت کودکان ما را با دزدی هایشان و انداختن بار بحرانشان بر دوش ما مردم به تباهی بکشانند. متحدانه در برابرشان بایستیم.\*

## علیه حکومت شیادان اسلامی اعتراض کنیم

این تعداد می باشد. ۱- سجاد اکبری از دانشکده علوم اجتماعی با قرار وثیقه ۵۰ میلیونی ۲- سینا چگینی از دانشکده علوم اجتماعی با قرار وثیقه ۵۰ میلیونی ۳- پیام صالحی از دانشکده مدیریت با قرار وثیقه ۵۰ میلیونی ۴- حسینی از دانشکده مدیریت ۵- قیصری از دانشکده تربیت بدنی ۶- شریفی از دانشکده تربیت بدنی با قرار وثیقه ۱۰ میلیونی

حکومت اسلامی و رهبر مفلوکش بعد از يك سال تلاش برای مسکوت گذاردن پرونده حمله به کوی دانشگاه در نهایت می خواهند با مقصر جلوه دادن دانشجویان در تحریک نیروهای بسیج و نیروی انتظامی با توهین به مقدسات، دانشجویان که خود قربانی خشونت حکومت و نیروهای سرکوبگرش در ۲۴ و ۲۵ خرداد بوده اند را به دادگاه کشانند و مطابق قوانین اسلامی محکوم و مجازات کند.

وقاحت بی حد و حصر رژیم اسلامی ریشه در استیصال و درماندگی بی حد و حصر او دارد. همانطور که هیچ کس در دنیا اعتراضات تلویزیونی متهمین علیه خودشان را باور نکرد، اتهامات وارده به دانشجویان نیز به

جمهوری اسلامی در آستانه بازگشایی مدارس و دانشگاه ها اقدام به احضار و بازجویی و پرونده سازی برای دانشجویان کرده است. سران جنایتکار اسلامی برای سرپوش گذاشتن بر پرونده حمله به کوی دانشگاه در ۲۴ و ۲۵ خرداد سال ۸۸ اقدام به پرونده سازی برای دانشجویان کرده اند. قاضی ترکی نماینده لاریجانی ها رئیس قوه قضائیه و ریس مجلس با احضار دانشجویان به سازمان قضایی نیروهای مسلح و متهم کردن دانشجویان به حضور در تجمعات اعتراض آمیز پس از انتخابات، سنگ پراکنی، آتش زدن بانک و آسیب به معابر عمومی و خصوصی، پرتاب کوکتل مولوتوف، درگیری با مأمورین، توهین به مسئولین و مقدسات نظام برای تحریک نیروهای بسیج و انتظامی برای حمله به کوی دانشگاه و سایر اتهامات اقدام به پرونده سازی برای دانشجویان و رفع رجوع کردن پرونده حمله به کوی و مقصر جلوه دادن دانشجویان در جریان حمله اوپاش اسلامی به کوی است.

اسامی ۶ نفر از دانشجویان احضار شده به شرح زیر می باشد در حالیکه تعداد دانشجویان احضار شده بیش از

## جای کودکان ما در مدرسه است

شهلا دانشفر

همین سخنان در عین حال اعتراض کارگر نساجی کاشان که ۲۶ ماه دستمزدش را طلب دارد و کارگر مخابرات راه دور که ۱۷ ماه و کارگر لوله سازی خوزستان که ۲۴ ماه حقوقش را طلب دارد نیز هست. این حرف دل میلیونها مردمی است که امروز در برابر فیش های چند برابر قیمت برق و افزایش هزینه ترانسپورت و قیمت نان و مایحتاج زندگی شان شوکه شده اند. هنوز طرح "یارانه ها" ی رژیم به اجرا گذاشته نشده است که مردم دچار چنین "شوک مصرفی" ای شده اند. طرحی که خودشان از اجرائیش وحشت کرده اند و باز ماهی دیگر به تعویض انداختند و ظاهرا ابهامات اجرائیش نیز یکی یکی دارد رو میشود، تا بهانه ای برای عقب نشینی های بیشترشان پیدا کند. اما نکته مهم اینست که اکنون در آستانه سال جدید تحصیلی، ابعاد گرانی و فقر مردم در آنچنان به خروش آورده که مردم در کمین فرصتی برای بیرون ریختن خشم و اعتراضشان هستند. در برابر این تهاجم عظیم به جامعه دفاع کافی نیست. باید تعرض کرد. با

اول مهر است، مدرسه ها باز میشود و این سرتیتر اخبار روزنامه ای دولتی است: "دانش آموزان بسیاری که به مدرسه نمیروند." خبرگزاری مهر در گزارشی از باز ماندن حدود ۱۲ هزار دانش آموز از تحصیل در همین سال جاری، در استان گلستان خبر میدهد. بسیاری از دانش آموزان بخاطر فقر خانواده، بخاطر گرانی، بخاطر شهریه های گزاف هنوز ثبت نام نکرده اند و امسال آمار دانش آموزانی که در سراسر کشور از تحصیل محروم میشوند و کودکانی که به صف کودکان کار و خیابان اضافه خواهند شد، تکان دهنده است. کارگری از کارخانه نازخ قزوین در گفتگو با خبرنگار دولتی میگوید: "الان من پولی برای ثبت نام فرزندم در شروع سال تحصیلی ندارم، نه کفش، نه لباس، نه کتاب و دفتر هیچ چیز خرید نکرده ام. نتوانسته ام بخرم و به همه مردم هم بدهی و قرض دارم. در حالیکه ۵-۶ میلیون از حقوق خودم را طلب دارم که به من نمیدهند. چرا؟"



مبارزات جانانه ای داشته اند، نقش مهمی در پیشاپیش اعتراض برای این حقوق پایه ای و دفاع از صدیق کریمی و فواد کیخسروی دو فعال کارگری شناخته شده و محبوب در این شهر دارند. محکوم کردن احضار و دادگاهی کردن این دو فعال کارگری امر همه کارگران است. پرونده های قضایی تشکیل شده برای فعالین کارگری باید لغو و احضار و تهدید آنان فوراً متوقف شود. کارگران زندانی، منصور اسانلو، ابراهیم

روی کارگران يك بخش دایمی سیاست جمهوری اسلامی در رابطه با جنش کارگری و عقب زدن مبارزات کارگران است. دادگاهی کردن صدیق کریمی و فواد کیخسروی را باید وسیعاً محکوم کرد.

برای جمهوری اسلامی عضویت در تشکل کارگری، برپایی مراسم اول مه جرم و اقدام علیه امنیت این جانینان است. در دفاع از حق تشکل، حق اعتصاب، حق برپایی مراسم روز جهانی کارگر، بعنوان پایه ای ترین حقوق خود، صدای اعتراضمان را علیه چنین احکامی بلند کنیم. کارگران در سندج که همواره بیشتاز برپایی مراسم های اول مه و برپایی اعتصابات کارگری و مبارزه برای گرفتن حقوق ایام اعتصاب خود و تلاش برای ایجاد تشکلهایشان

## صدیق کریمی و فواد کیخسروی دو فعال کارگری محبوب و شناخته شده در سندج دوباره محاکمه شدند

بنای خبر منتشر شده از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران، روز ۳۱ شهریور صدیق کریمی عضو هیات مدیره این اتحادیه و فواد کیخسروی از اعضای دیگر آن، برای بار دوم در شعبه اول دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی در سندج مورد محاکمه قرار گرفتند. صدیق کریمی و فواد کیخسروی صبح روز اول مه ۸۹ دستگیر و ۸ روز زندان بودند و بدنبال این دستگیری این کارگران در رابطه با پرونده ای که برایشان تشکیل شده بود، در ۲۹ تیر امسال به دادگاه احضار و مورد بازجویی قرار گرفتند. در این دادگاه به بخاطر عضویت در اتحادیه آزاد کارگران ایران، به آنان اتهام اقدام علیه امنیت ملی را وارد کردند.

در ادامه این فشارها و احضار کردند، صدیق کریمی و فواد کیخسروی روز ۳۱ شهریور به اتهام سازماندهی بار دیگر به محاکمه کشیده شدند.

در این جلسه دادگاه که به مدت دو ساعت به طول انجامید، بابایی قاضی حکومت اسلامی، این دو فعال کارگری و شناخته شده در شهر سندج، اعلام کرد که طی نامه ای که از طرف اداره اطلاعات به پرونده ضمیمه شده است این اداره اعلام کرده است که آنها سازمانده تجمع روز جهانی کارگر امسال در شهر سندج بوده اند و این امر برای اداره اطلاعات محرز است و نیازی به بررسی مجدد ندارد. تهدید و فشار بر

طلب آنان را نیز پرداخت خواهد کرد. اما امکان اینکه در قبال اخراج ها، سالانه ۴ ماه حقوق پرداخت شود، را نمی پذیرد.

روز سه شنبه ۳۰ شهریور که کارگران همچنان در اعتصاب بودند، مدیرعامل کارخانه به میان آنان رفته و اعلام داشت که ما بیش از دو ماه حقوق نمی پردازیم، اما الان فقط ده نفر اخراج میشوند. کارگران این را توطئه ای برای اخراج تدریجی و در هم شکستن اتحاد خود دیدند و زیر بار این تصمیم نرفتند و در جریان گفتگو با مدیریت، با وی درگیر شده، و به وی حمله ور شدند. حراست فوراً مداخله کرده و مدیریت را فراری داد. بدین ترتیب کارگران به اعتصاب خود ادامه داده و اعلام داشتند که روز چهارشنبه ۳۱ شهریور در مقابل استانداری تجمع خواهند کرد و اگر به خواست آنها رسیدگی نشود بطرف شهر راهپیمایی خواهند کرد. يك نقطه قوت حرکت اعتراضی کارگران هرسین اتحاد آنان است. کارگران در مجمع عمومی خود ۵ نماینده را برای پیگیری خواسته هایشان انتخاب کرده اند. در این اعتصاب همه کارگران متحدانه شرکت دارند و اعتصاب همچنان ادامه دارد.

کارگران کرپ ناز هرسین کرمانشاه با اعتصاب خود و با

## کارگران نساجی کرپ ناز هرسین کرمانشاه، زیر بار بیکارسازیها نمی روند

کارگران نساجی کرپ ناز هرسین نزدیک به يك ماه است که در اعتراض به بیکارسازیها و مطالبات معوقه خود در اعتصاب بسر میبرند. قضیه از این قرار است که در این کارخانه ۶۰ کارگر رسمی و ۲۲۵ کارگر به کار اشتغال دارند. کارفرما اعلام کرده است که قرارداد ۸۰ نفر از این کارگران که ۵ نفرشان دو سال و باقی بیش از ۸ سال سابقه کار دارند، را تمدید نخواهد کرد. این کارگران همچنین سه ماه و نیم دستمزد و بیمه ۷ ماه خود را طلب دارند.

زیر فشار اعتراضاتی که کارگران در این رابطه داشته اند، بین نمایندگان استانداری و اداره کار و مدیریت کارخانه نشستی صورت گرفته بود که در آن مدیریت کرپ ناز متعهد شده بود که در قبال اخراج این کارگران سالی ۴ ماه حقوق بپردازد. کارگران که خود را زیر فشار بیکارسازیها میدیدند. قبلاً به این تصمیم رضایت داده بودند. اما بعد مدیریت شرکت اعلام داشت که امکان پرداخت سالی ۴ ماه حقوق به کارگران را ندارد. این موضوع موجب خشم و اعتراض کارگران شد. تا اینکه روز دوشنبه ۲۹ شهریور مدیریت اعلام داشت که ۷ ماه بیمه کارگران را به حساب ریخته است. و سه و ماه ونیم

اولتیماتوم دادن و پافشاری بر روی خواستههایشان در مقابل زورگویی مدیریت ایستاده اند. تصمیم مجمع عمومی این کارگران ادامه اعتراض تا رسیدن به خواستههایشان است. باید این صف اعتراضی را با تمام توان تقویت کرد.

بیکارسازی امروز يك معضل سراسری کارگران است، باید با مبارزات متحد خود در مقابل این تهاجم دولت و کارفرمایان ایستاد. اخراج ها باید فوراً متوقف شود. دستمزدهای پرداخت نشده باید فوراً پرداخت شود، با توجه به گرانی و ابعاد سرسام آورش، دستمزدها باید در گام اول به يك میلیون تومان افزایش یابد. کارگران بیکار باید از بیمه بیکاری مکفی برخوردار شوند، و اینها همه باید در صدر خواستههای سراسری کارگران قرار گیرد و با اعتصابات خطاری و متحد خود نگذاریم زندگی و معیشت ما زیر تهاجم دایمی کارفرمایان و حکومت اسلامی سرمایه داران قرار گیرد.

زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران

۳۱ مرداد، ۱۳۸۹، ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۰

طلب آنان را نیز پرداخت خواهد کرد. اما امکان اینکه در قبال اخراج ها، سالانه ۴ ماه حقوق پرداخت شود، را نمی پذیرد.

روز سه شنبه ۳۰ شهریور که کارگران همچنان در اعتصاب بودند، مدیرعامل کارخانه به میان آنان رفته و اعلام داشت که ما بیش از دو ماه حقوق نمی پردازیم، اما الان فقط ده نفر اخراج میشوند. کارگران این را توطئه ای برای اخراج تدریجی و در هم شکستن اتحاد خود دیدند و زیر بار این تصمیم نرفتند و در جریان گفتگو با مدیریت، با وی درگیر شده، و به وی حمله ور شدند. حراست فوراً مداخله کرده و مدیریت را فراری داد. بدین ترتیب کارگران به اعتصاب خود ادامه داده و اعلام داشتند که روز چهارشنبه ۳۱ شهریور در مقابل استانداری تجمع خواهند کرد و اگر به خواست آنها رسیدگی نشود بطرف شهر راهپیمایی خواهند کرد. يك نقطه قوت حرکت اعتراضی کارگران هرسین اتحاد آنان است. کارگران در مجمع عمومی خود ۵ نماینده را برای پیگیری خواسته هایشان انتخاب کرده اند. در این اعتصاب همه کارگران متحدانه شرکت دارند و اعتصاب همچنان ادامه دارد.

کارگران کرپ ناز هرسین کرمانشاه با اعتصاب خود و با

برای امضای طومار اعتراضی کمپین برای آزادی کارگران زندانی و پیگیری اخبار مربوط به کارگران زندانی به وب لاگ ویژه این کمپین سر بزنید.

برای امضای طومار اعتراضی کمپین برای آزادی کارگران زندانی و پیگیری اخبار مربوط به کارگران زندانی به وب لاگ ویژه این کمپین سر بزنید.

<http://free-them-now.blogspot.com/p/>

### کمک مالی به تلویزیون کانال جدید

زهره ۱۵۰ یورو

فرشاد حسینی ۱۵۰ یورو

داوود رفاهی ۵۰ پوند

### شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفاً قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

<http://www.countmein-iran.com>

#### سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3  
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

#### آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:

Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

#### کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC  
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900  
Account #: 84392 00269 13

#### هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN  
Shomare hesab: 15 13 50 248  
Adres: EINDHOVEN  
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

#### آمریکا:

Bank of America  
277 G Street, Blaine, Wa 98230  
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush  
Account number : 99 - 41581083  
wire: ABA routing # 026009593  
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981  
sort code: 60-24-23, account holder: WPI  
, Bank: NatWest branch: Wood Green  
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345  
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران: عبیل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰



## گزارش تصویری از تظاهرات برای آزادی کارگران زندانی - اسلو ۱۷ سپتامبر



**کارگر زندانی  
آزاد باید گردد**

[www.free-them-now.blogspot.com](http://www.free-them-now.blogspot.com)

## گزارشی از تظاهرات به فراخوان ۴ اتحادیه کارگری در نروژ در حمایت از کارگران زندانی در ایران

شهابی، بهنام ابراهیم زاده و همه زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند.  
کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ایران  
شهلا دانشفر  
0044-77798 98968  
بهرام سروش  
0044-7852 338334  
۲۷ شهریور ۱۳۸۹ - ۱۸ سپتامبر ۲۰۱۰

گزارش صابر رحیمی از فعالین کمپین برای آزادی کارگران زندانی و دبیر کمیته تشکیلات حزب کمونیست کارگری ایران در نروژ از چگونگی برگزاری این تظاهرات، ضمیمه است. کمپین جهانی در حمایت از کارگران زندانی با تمام قوا برای آزادی کارگران زندانی از زندان تلاش میکند. خود را فعال این کمپین بدانید و به هر شکلی که میتوانید با آن همکاری کنید. منصور اسانلو، ابراهیم مددی، رضا

در ادامه تلاشهای فعالین کمپین برای آزادی کارگران زندانی و تماس با اتحادیه های کارگری در نروژ، روز جمعه ۱۷ سپتامبر به فراخوان ۴ اتحادیه کارگری نروژ، اتحادیه های کارگری ترانسپورت، اتحادیه کارگران خدمات، اتحادیه معلمان و اتحادیه کارکنان مدارس تظاهراتی در اعتراض به جنایات جمهوری اسلامی و برای آزادی بی قید و شرط کارگران زندانی در مقابل سفارت جمهوری اسلامی برپا شد.

### ضمیمه: گزارشی از تظاهرات برای آزادی کارگران زندانی - اسلو ۱۷ سپتامبر

این رژیم را پوچ خواند و از اتحادیه های کارگری و مردم آزاده خواست که ضمن ادامه فشار به رژیم حاکم بر ایران باید از دولت خود بخواهند که همچون رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی رژیم ایران را ایزوله کرده و روابط دیپلماتیک خود را با این جنایتکاران قطع کنند، نمایندگان این رژیم را از سازمانهای جهانی از جمله از سازمان جهانی کار اخراج نمایند. این سخنان با کف زند مورد استقبال تظاهرکنندگان قرار گرفت.

در این تظاهرات فعالین کمیته همبستگی بین المللی کارگری حزب کمونیست کارگری با دست داشتن پوستره های کارگران زندانی و سکینه محمدی آشتیانی به عنوان نمونه زنده برپیت رژیم اسلامی فعالانه حضور داشتند و پیشین کمپین آزادی کارگران زندانی را در میان حاضرین توزیع کردند و با رهبران اتحادیه ها برای امضای پیشین در سطح وسیع اعضا اتحادیه ها گفتگو کردند.

سه تن از نمایندگان اتحادیه ها نامه ای را که حاوی خواسته های این اتحادیه ها از جمله آزادی بی قید و شرط فعالین کارگری بود تحویل مزدوران رژیم در سفارت دادند.

در پایان تظاهرات شرکت کنندگان به سر دادن شعارهای کارگر زندانی آزاد باید گردد، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، مرگ بر رژیم اعدا، مرگ بر رژیم سنگسار، سفارت رژیم تعطیل باید گردد و مرگ بر جمهوری اسلامی پرداختند.

Saber Rahimi  
rahimi37@yahoo.com  
Tlf. 0047-98 69 40 01

فعالین کارگری از جمله ادامه بازداشت فعالین کارگری در شرایط غیر انسانی و جلوگیری از مداوای آنها و اعدام فعالین سیاسی از جلو اعدام وحشیانه فرزند گمانگرا محکوم کرده و خواستار آزادی بی قید و شرط فعالین کارگری و همه زندانیان سیاسی شدند.

آخرین سخنران این تظاهرات ابولقاسم کاردار از حزب کمونیست کارگری ایران بود که خود سالها به جرم مخالفت با رژیم اسلام در سیاه چالهای این رژیم در بند بوده است. او ابتدا به وضعیت واقعی زندانهای جمهوری اسلامی اشاره کرد و گفت که فعالین کارگری و زندانیان سیاسی در چه وضعیت غیر انسانی اسیر هستند. کاردار در ادامه به طور مشخص وضعیت چهار فعال کارگری را تشریح کرد و از اتحادیه های کارگری خواست فشار خود را علیه حاکمان ایران برای آزادی این کارگران ادامه دهند.

ابولقاسم کاردار در ادامه گوشه هایی از جنایات و برپیت رژیم اسلامی از جمله شکنجه های جسمی و روحی زندانیان سیاسی، اعدام زندانیان سیاسی، اعدام کودکان، و اعدام های وسیع به اصطلاح مجرمین عادی، سنگسار زنان به جرم رابطه خارج از ازدواج، اعدام همجنسگرایان، تحمیل فقر به جامعه و بالاخره پایمال کردن هر نوع آزادی و حقوق انسانی پرشمرد و گفت که این رژیم اسلامی نه تنها نماینده مردم ایران نیست بلکه رژیم کشتار و سرکوبگر مردم ایران است. سخنران حزب با اشاره به تظاهراتهای میلیونی مردم ایران که از خرداد پارسال شروع شد خاطر نشان کرد که یک جنبش انقلابی در ایران در جریان است که می رود کلیت حکومت اسلامی را سرنگون کند. وی هر گونه دیالوگ با رژیم ایران به منظور اصلاح

منصور اسانلو، ابراهیم مددی، رضا شهابی و بهنام ابراهیم زاده همچنان در سیاه چالهای جمهوری اسلامی در بندند.

در ادامه کمپین برای آزادی کارگران زندانی، و به دنبال تماس های سخنگوی کمیته همبستگی بین المللی کارگری حزب کمونیست کارگری ایران، مهران خورشیدی، به فراخوان ۴ اتحادیه کارگری نروژ، اتحادیه های کارگری ترانسپورت، اتحادیه کارگران خدمات، اتحادیه معلمان و اتحادیه کارکنان مدارس روز جمعه ۱۷ سپتامبر، تظاهراتی در اعتراض به جنایات جمهوری اسلامی و برای آزادی بی قید و شرط کارگران زندانی در مقابل سفارت جمهوری اسلامی برپا شد.

در این تظاهرات که تعداد زیادی از فعالین کارگری و اتحادیه ای نروژ از جمله روسای اتحادیه های فوق شرکت داشتند، ابتدا جونس لارسن معاون اول اتحادیه کارگران ترانسپورت که در سازمان دادن این تظاهرات نقش اول را داشت مراسم را افتتاح کرد و طی سخنانی ادامه بازداشت فعالین کارگری ایران را که فقط به جرم فعالیت اتحادیه ای و دفاع از حق مسلم کارگران دستگیر شده اند محکوم کرد و رژیم ایران را به خاطر بازداشت و زندانی کردن فعالین کارگری و دیگر مخالفین سیاسی و شکنجه و اعدام رژیم ضد کارگری و ضد انسانی خطاب کرد. وی همچنین رژیم ایران را به خاطر زیر پا گذاشتن مقوله نامهای سازمان جهانی کار محکوم کرد. در ادامه رئیس اتحادیه معلمان، رئیس اتحادیه خدمات، و رئیس اتحادیه کارکنان مدارس نروژ سخنرانی کردند و هر کدام به نوبه خود رژیم حاکم بر ایران را به خاطر اعمال ضد انسانی بر علیه

## هزاران نفر در نیویورک علیه احمدی نژاد و جمهوری اسلامی تظاهرات کردند

طبق گزارش فعالین حزب کمونیست کارگری از نیویورک، امروز هزاران نفر از مخالفین جمهوری اسلامی در مقابل مقر سازمان ملل دست به تظاهرات زدند و علیه جمهوری اسلامی شعار دادند. این یکی از بزرگترین تجمعات سیاسی علیه جمهوری اسلامی است.

هزاران نفر فیاد میزنند جمهوری اسلامی نابود باید گردد، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، کارگر زندانی آزاد باید گردد و صدها پوستر با شعارهای نه به حکومت اعدام، نه به حکومت سنگسار، احمدی نژاد قاتل است، و صدها پوستر از سکیینه

محمدی آشتیانی توسط مردم به اهتزاز درآمده است. پارچه بزرگی نیز علیه حکومت سنگسار و اعدام جمهوری اسلامی توسط مردم امضا شده است. این تظاهرات که همزمان با حضور احمدی نژاد در اجلاس سالانه سازمان ملل برپا شده است، توسط رسانه های مختلف دنیا، مورد پوشش گسترده ای قرار گرفته است. از جمله رسانه های متعددی با بیدی محمودی کادر حزب کمونیست کارگری ایران در مورد خواهند کرد!

اینک میلیونها نفر اسم سکیینه را شنیده و سرگذشت او را می شناسند. همین میلیونها انسان اکنون بیش از همیشه متوجه میشوند که مردم ایران با چه جانورانی به اسم رییس جمهور و روسای دولت ... مواجه هستند. کسانیکه در روز روشن دروغ میگویند، شانتاژ میکنند و ضد و نقیض حرف میزنند و در کمال آرامش جنایت سازمان میدهند و همه این آدمکشی ها را توجیه هم میکنند.

بعلاوه حکومت اسلامی حداقل ۱۵۰ نفر را سنگسار کرده است و لیست آنها را ما منتشر کرده ایم. حداقل ۲۴ نفر دیگر هم اکنون در هستند، به نمایندگی از جانب فرزندان سکیینه که حتی از ملاقات با مادرشان هم محروم شده اند، به نمایندگی از میلیونها مردم معترض و به جان آمده ایران از شما میخواهم که روز ۲۳ سپتامبر به خیابان بیابید، عکس سکیینه را در دست بگیرید، خواهان آزادی فوری او شوید، خواهان پایان دادن به سنگسار در ایران و

هرجای دیگر شوید، و در کنار مردم ایران فریاد بزنید که جمهوری اسلامی باید از همه مجامع بین المللی طرد شوند و قاتلان مردم ایران اجازه حضور و صحبت در سازمان ملل را ندارند.

سخنگوی کمیته های بین المللی علیه اعدام و سنگسار ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۰

حکومت اسلامی قاتل مردم ایران در سازمان ملل اعتراض کنید. میدانید که سکیینه محمادی آشتیانی زنی ۴۳ ساله و مادر دو فرزند در زندان جمهوری اسلامی بسر میبرد و مانند دهها نفر دیگر به سنگسار محکوم شده است. میدانید که جمهوری اسلامی در طول ۳۱ سال حکومتش هزاران نفر را اعدام کرده،

شکنجه کرده، شلاق زده، سنگسار کرده، از پشت بام به پایین پرت کرده، دست شان را بریده و باید سران آن و از جمله همین احمدی نژاد به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه شوند. اکنون که رئیس این ماشین جنایت بجای محاکمه در دادگاه به مجمع عمومی سازمان ملل راه داده میشود، چشم ها به نیویورک و به شما مردم آزادیخواه

مردم به این کانال تلویزیونی شد. بدنبال آن در ساعت ۱۱ صبح مینا احدی و طاهر جعفرزاده در یک کنفرانس مطبوعاتی با حضور نمایندگان استاندرد و شهردار و همچنین حضور نمایندگان مطبوعات شرکت کردند که در این برنامه نیز سجاد حضور داشت و نامه ای را خطابه به رسانه ها قرائت کرد که در همانجا به زبان ایتالیایی ترجمه شد.

این برنامه ها انعکاس گسترده ای در رسانه های ایتالیای داشت. تلویزیون سراسری ایتالیا و تلویزیون استان این برنامه ها را پخش کرد و همچنین رسانه های متعددی در مورد این برنامه ها نوشتند.

کمیته بین المللی علیه سنگسار کمیته بین المللی علیه اعدام ۱۹ سپتامبر ۲۰۱۰

حمایت از سکیینه محمادی آشتیانی سران رژیم اسلامی و از جمله احمدی نژاد را به هذیان گویی انداخته است.

من به نوبه خود افتخار میکنم که همراه صدها فعال مدافع حقوق انسانی در دنیا سعی کردیم که مردم آزاده جهان را متوجه ماهیت انسان ستیز و ضد زن این حکومت بکنیم. این یک حرکت جهانی علیه حکومت اسلامی به عنوان حکومتی مدافع و مجری قتل و جنایت است. با این کارزار دفاع از سکیینه محمادی آشتیانی میلیونها نفر در دنیا در جریان سرگذشت زنی قرار گرفته اند که اسیر حکومت اسلامی است و هر لحظه ممکن است او را سنگسار یا اعدام کنند. سکیینه ۴۳ ساله در زندان تبریز، از چهار سال قبل با حکم سنگسار دست و پنجه نرم میکند.

قبلا سفارتخانه رژیم اسلامی در انگلیس و وزیر امور خارجه و سخنگوی این وزارتخانه و مقامات قضائی رژیم در تبریز و رئیس حقوق بشر قوه قضائیه در تهران به حکم سنگسار سکیینه اعتراف کرده اند. حتی آنها هم از این درجه وقاحت احمدی نژاد تعجب

شرف دوخته میشود. سکیینه اکنون به چهره اعتراض مردم ایران و جهان به جمهوری اسلامی تبدیل شده است. شما مردم آزاده نیویورک میتوانید در مبارزه جهانی برای آزادی سکیینه، بر علیه سنگسار و در حمایت از مبارزه مردم ایران برای رهایی از شر جمهوری اسلامی سهمی تاریخی و بیاد ماندنی ادا کنید.

به نمایندگی از سکیینه و همه کسانی که در انتظار سنگسار



## گزارشی از برنامه های مینا احدی در سفر به ایتالیا روزهای ۱۶ و ۱۷ سپتامبر

ایران و فعالیتهای جهانی کمیته های بین المللی علیه سنگسار و اعدام سخنرانی کرد. این برنامه سه ساعت ادامه داشت و به سوالات حاضرین نیز پاسخ داده شد. ساعت شش صبح روز ۱۷ سپتامبر مینا احدی و جعفر طاهرزاده سازمان دهنده این مجموعه برنامه ها، در یک گفتگوی دو ساعته در تلویزیون "کانال ایتالیای" که به صورت زنده پخش میشود، حضور یافتند و به سوالات پاسخ دادند. از ایران نیز سجاد از طریق تلفن در این برنامه شرکت کرد.

این برنامه با استقبال بسیار زیادی روبرو شد و تلفنهای زیادی در جریان برنامه و بعد از آن از سوی

مینا احدی به دعوت جمعی از ایرانیان آزادیخواه در شهر پردونونه به کشور ایتالیا رفت و در چند برنامه در این کشور در روزهای ۱۶ و ۱۷ سپتامبر حضور داشت.

سخنرانی، حضور در یک برنامه تلویزیونی پخش مستقیم در "کانال ایتالیای" و همچنین کنفرانس مطبوعاتی در مورد سکیینه با حضور استاندرد و شهردار و نمایندگان از احزاب ایتالیایی، طاهر جعفرزاده و حضور تلفنی سجاد پسر سکیینه از جمله این برنامه ها بود.

روز ۱۶ سپتامبر، مینا احدی در حضور جمع بزرگی از علاقمندان نجات سکیینه و موقعیت زنان در

## من با افتخار این اتهام را می پذیرم! پاسخی به احمدی نژاد در مورد "تکذیب حکم سنگسار سکیینه محمادی آشتیانی"

فراخوان ما برای نجات سکیینه پاسخ مثبت دادند و از طرف یک میلیون و هفتصد و پنجاه هزار نفر که تاکنون قطعنامه نجات سکیینه را امضا کرده اند، اعلام میکنم که این یک افتخار است که دولت سنگسار احمدی نژاد را به این روز انداخته ایم.

احمدی نژاد وجود حکم سنگسار را در مورد سکیینه انکار میکنند اما من در این مورد مدارکی دارم که انکار ناپذیر است. سند حکم سنگسار با مهر و امضای قضات جمهوری اسلامی در اختیار من است. این سند که خانم سکیینه محمادی آشتیانی به سنگسار محکوم شده است را در یک کنفرانس مطبوعاتی در لندن در اختیار رسانه ها قرار دادم و اکنون در جواب دروغگویی احمدی نژاد همراه این پاسخ آنرا مجددا در اختیار عموم قرار میدهم.

واقعیت اینست که حرکت عظیم جهانی علیه سنگسار و اعدام و در

احمدی نژاد امروز یکشنبه ۱۹ سپتامبر، در مصاحبه مطبوعاتی اش با شبکه تلویزیونی «ای بی سی» آمریکا در باره حکم سنگسار سکیینه محمادی آشتیانی گفت: «این خانم به هیچ وجه به سنگسار محکوم نشده است. احمدی نژاد در این مصاحبه گفته است: «یک شخص در آلمان با انتشار خبرهای کذب در این باره، سروصدایی ایجاد کرد و این موضوعی بر علیه ایران شد.» او خطاب به دولتهای غربی میگوید: امروز طرفدار خانمی شده اند که براساس خبر جعلی طرفدار حقوق بشر می شود...»

شخصی که احمدی نژاد نخواست است اسمش را عنوان کند من (مینا احدی) هستم و من این "اتهام" را با افتخار میپذیرم. ما با راه انداختن یک کمپین عظیم جهانی، دولت جنایتکار اسلامی را تحت فشار گذاشته ایم. از طرف هزاران نفر که به اشکال مختلف به

## به شهروندان نیویورک: ...

حکومت اسلامی قاتل مردم ایران در سازمان ملل اعتراض کنید.

میدانید که سکیینه محمادی آشتیانی زنی ۴۳ ساله و مادر دو فرزند در زندان جمهوری اسلامی بسر میبرد و مانند دهها نفر دیگر به سنگسار محکوم شده است. میدانید که جمهوری اسلامی در طول ۳۱ سال حکومتش هزاران نفر را اعدام کرده،

از صفحه ۱

شکنجه کرده، شلاق زده، سنگسار کرده، از پشت بام به پایین پرت کرده، دست شان را بریده و باید سران آن و از جمله همین احمدی نژاد به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه شوند. اکنون که رئیس این ماشین جنایت بجای محاکمه در دادگاه به مجمع عمومی سازمان ملل راه داده میشود، چشم ها به نیویورک و به شما مردم آزادیخواه

### گزارش تصویری از آکسیون های اعتراضی ۱۸ سپتامبر به حکومت شلاق، سنگسار، اعدام



هلند



یونان



ونکوور-کانادا



دالاس- آمریکا



تورنتو



اتوا- کانادا



لندن



لندن

دورتموند- آلمان



هامبورگ



فرانکفورت



گوتینگن- سوئد



بروسن - سوئد



برمن- آلمان



استکهلم



لندن



مالمو- سوئد



وین



کارسروند- سوئد



واشنگتن

SATURDAY SEPTEMBER 18TH:  
CITIZENS OF THE WORLD

AGAINST THE REGIME OF FLOGGING AND STONING



## بیانه تظاهرات ۱۸ سپتامبر ۲۰۱۰ علیه رژیم شلاق و سنگسار!

مردم دنیا بخوبی پی برده اند که این یک حکومت مذهبی و عقب مانده و ضد زن است که آپارتاید جنسی، قوانین ارتجاعی شریعت و بیحقوقی عمیق و همه جانبه ای بر مردم ایران حاکم کرده است.

امروز ۱۸ سپتامبر ۲۰۱۰ مطالبات خود را در ادامه مطالبات تظاهرات ۱۰۰ شهر جهان علیه سنگسار در ۲۸ ماه اوت امسال اعلام میکنیم:

۱- ما از مبارزات مردم ایران علیه این رژیم وحشی مذهبی قاطعانه حمایت میکنیم. ما اعلام میکنیم که راه رهایی مردم ایران نه تهدید و حمله نظامی و یا تحریم اقتصادی، بلکه بزیر کشیدن جمهوری اسلامی

آکسیون های سراسری امروز ادامه آکسیون جهانی ۲۴ ژوئیه و ۲۸ آگوست ۲۰۱۰ و جلوه دیگری از همبستگی مردم جهان با مردم ایران است که قهرمانانه برای پایین کشیدن رژیم اسلامی سنگسار و قصاص و حجاب و شکنجه و اعدام بیخاسته اند. امروز یک بار دیگر اعلام میکنیم که این رژیم، قاتل مردم ایران و شرم بشریت است و باید جای خود را به یک حکومت انسانی بدهد. شلاق و سنگسار و اعدام و زندان و شکنجه ابزار سیاسی حکومت برای ارباب جامعه و عقب راندن موج فزاینده اعتراضات مردم است و امروز مردم دنیا، جمهوری اسلامی را با این وحشیگری ها می شناسند.

بین المللی محاکمه شوند. ما در همراهی با مردم ایران به مبارزه خود تا تحقق این خواستها ادامه خواهیم داد، و بعنوان یک اقدام فوری قویا خواهان ممانعت از ورود احمدی نژاد، رئیس جمهور حکومت سنگسار، به مجمع عمومی سازمان ملل در سپتامبر ۲۰۱۰ هستیم.

رژیم باید از همه مجامع بین المللی اخراج و کلیه روابط سیاسی با آن قطع گردد. اعلام میکنیم که سران حکومت اسلامی به جرم ۳۱ سال نسل کشی، کشتار دهها هزار زندانی سیاسی، آپارتاید جنسی، زندان، شکنجه، اعدام، تجاوز و مجازاتهای ضدانسانی شریعت اسلامی که علنا ناقض کلیه منشورها و میثاق های بین المللی است، باید در دادگاههای

العمل های فراوان و اخطار ها و در دستور گذاشتن انواع و اقسام طرح های پوششی در بیمارستانها و در ادارت، "بیماری" از پرستاران بقبول این حضرات، "بدحجاب" هستند و پوشش مناسبی ندارند، خود موضوعی مهم و قابل توجه است. مساله اینست که در بیمارستان امام خمینی حاکمان اسلامی جمهوری اسلامی پرستاران "بد حجاب" را از کار اخراج میکنند، اما در خیابانها و اماکن عمومی با ابعاد عظیم تر و گسترده تری از همین حرکت مواجه



## اخراج بسیاری از پرستاران در بیمارستان امام خمینی بخاطر "بدحجابی"

شها دانشفر

دولتی ایلنا منتشر شده است. نفس اینکه حجاب این پرچم آپارتاید جنسی و سمبل حکومت اسلامی، چنان دارد بر زمین زده میشود، که حتی علیرغم اجرای انواع و اقسام طرحهای امنیت اجتماعی و عفاف و حجاب و غیره و علیرغم دستور

خبرها حاکی از این است که بسیاری از پرستاران پیمانی بیمارستان امام خمینی تحت عنوان "پوشش نامناسب، در همان نیمه ماه قراردادشان لغو و از کار اخراج شدند. این خبر آنچنان انعکاسی در این بیمارستان داشت که خبرش در سایت

آغاز میشود و دانشگاهها باز میشوند و یک موضوع اعتراضی دانشجویان، اعتراض علیه تبعیض جنسیتی و فشار بر روی دانشجویان بخاطر "حجاب" و پوشش است. انتظار میرود که دانشجویان با اعلام همبستگی با پرستارانی که به خاطر حجاب، از کار بیکار شده اند، پیشتاز جنبش قدرتمند علیه حجاب و تبعیض جنسیتی در دانشگاه و در سطح جامعه شوند. \*

است و مانده است که با آن چه کند و از مقدمات و سمبل حکومت منحوسش چگونه دفاع کند. ما مردم باید همین واقعیت یعنی زیر پا گذاشتن سنتها و قوانین اسلامی حکومت را گسترش دهیم و در برابر تعرض حکومت قاطعانه بایستیم. اخراج پرستاران در بیمارستان خمینی باید با اعتراض وسیع کارگران این بیمارستان روبرو شود. باید از سوی جمع های آزادیخواه در سطح جامعه با نامه های اعتراضی به این اخراج ها اعتراض کرد. سال تحصیلی جدید

## کارگران ریسندگی کاشان ۲۶ ماه دستمزد طلب دارند

نپرداختن دستمزدها یک جنایت آشکار است

به دهکاری و شرمندگی غوطه ور شده ایم. تا به حال درمقابل شرکت و ادارات دولتی زیاد تجمع کرده ایم اما دریغ از اینکه کسی حرفهای ما را گوش کند. سالهاست که کارگران ریسندگی کاشان با معضل دستمزدهای پرداخت شده روبرویند و همواره با تجمع کردن، بستن جاده و با فشار اعتراضاتشان توانسته اند، ذره ذره دستمزدهایشان را از حلقوم سرمایه داران دزد و جانی بیرون بکشند. نپرداختن دستمزدها یک جنایت آشکار در حق کارگران و خانواده های کارگری است و مشقت و فشارهای سنگینی را به این کارگران تحمیل کرده است. کارگری که حتی اگر دستمزدش تماما پرداخت شود کفاف اولیه ترین نیازهای زندگیش را

نپرداختن دستمزدها یک جنایت آشکار است

مقابله با غارتگران دستمزد کارگران تلاش کنند.

خواستهای کارگران فراهم می آورد. همه کارگران چه آنها که با دستمزدهای پرداخت نشده هم اکنون دست و پنجه نرم میکنند و چه سایر کارگران که هنوز احیانا با این مشکل مواجه نشده اند، باید فعالانه در جهت به جریان انداختن جنبش

نمیدهد، اکنون باید با معضل جدی نپرداختن همان دستمزدهای زیر خط فقر نیز دست و پنجه نرم کند. دستمزدهای پرداخت شده کارگران باید فوراً و بدون هیچ عذر و بهانه ای پرداخت شود. نپرداختن دستمزدها معضل صدها هزار کارگر در در کارخانجات مختلف در همه شهرهاست. هرروز در گوشه و کنار این کشور اعتراض و مبارزه در این رابطه جریان دارد و راه مقابله ای اساسی با این تعرض گستاخانه کارفرمایان، بهم پیوستن همین اعتراضات و مبارزات است. برپا کردن یک جنبش سراسری با شعار دستمزدها باید فوراً پرداخت شود، نه فقط میتواند پوزه سرمایه داران و کارفرمایان و چپاولگران حاکم را به خاک بمالد، بلکه امکان قدرتمندی برای به کرسی نشاندن خواست افزایش چندین برابر دستمزدها و سایر

مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران ۲۷ شهریور ۱۳۸۹، ۱۸ سپتامبر ۲۰۱۰

### تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

### تلفن تماس با حزب از ایران

شها دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۶۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden

### انترناسیونال

### نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

ای میل: antersnacional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

## انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!